

# هفته نامه راه کارگر

نشریه سیاسی - خبری کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)  
سردبیر: آرش کمانگر شماره 255 یکشنبه 29 خرداد 1384 19 ژوئن 2005

## دیدگاه

### پایان دور اول نمایشنامه

تقی روزبه

تا روزبرگزاری انتخابات، دستگاه ولایت تمامی هنر فریب و توان سازماندهی خود را صرف پنهان نگهداشتن صحنه واقعی "انتخابات" در پشت یک صحنه مجازی و باصطلاح رقابتی کرده بود. چنین نمایشی بنابه ماهیت و هدف خود، تنها تا لحظه شروع "انتخابات" می توانست دوام داشته باشد. از این رو شروع انتخابات می توانست پایان نمایش فوق و آغازگر آن چه که می توان آن را "کودتای انتخاباتی" نامید، باشد. کودتایی که نتایج برآمده از آن نه با نظرسنجی های متعدد انجام شده توسط دستگاه های گوناگون خود رژیم می توانست خوانائی داشته باشد و نه حتی با خوشبینانه ترین گمانه زنی های رژیم در مورد تعداد شرکت کنندگان در انتخابات. باین ترتیب بود که با کناررفتن صحنه نمایشی، ناگهان شصت همه خبردار شد که گویی یک دست نامرئی، دست اندرکار هدایت جریان "انتخابات" و جابجائی آراء و نتایج حاصل از آن است. تضاد بین سیرظاهری رویدادها، با آن چه در پشت صحنه جریان داشت، همه را غافلگیر کرد.

بقیه در صفحه 2



سه شنبه این هفته  
برگزار می شود:  
تجمع در برابر دفتر  
سازمان ملل در تهران  
برای آزادی  
دکتر زرافشان

در صفحه

### فراخوان شماره سه

در دفاع از تمامی زندانیان سیاسی ایران  
ص 7

رنال پولیتیک و سرمایه گذاری  
روباہ پیر! جمشید پدram

ص 5

### دیدگاه دریافتی از ایران

نگاهی به اثرات تحریم انتخابات و افق پیش رو  
تا نتوانستن بالایی ها ...  
احمد زاهدی لنگرودی

نتایج انتخابات ریاست جمهوری نمایندند مسائل پیچیده جامع ایران امروز است. اکثریت ناراضی که هیچ آمار مشخصی - جز همین واژه اکثریت - از آن در دست نیست مانند همیشه از شرکت در انتخابات خودداری کردند. فعالان سیاسی، سازمان های پیشروی اپوزوسیون و حتا برخی تشکل های دانشجویی داخل نیز بیشتر طرح تحریم انتخابات را داده بودند. و با این همه در مجموع ۲۹ میلیون و ۳۱۷ هزار رای در این انتخابات به صندوق ها ریخته شده.

بقیه در صفحه 3

اخبار فعالیتها و آکسیونها در خارج  
ص 12

اعلامیه سازمان در مورد بمب گزاریهای اخیر  
ص 11

### رژیم اسلامی و پدیده رشوه خواری

رسول آرام

رشوه خواری یکی از محصولات واقعی رژیم اسلامی میباشد. این کار چاق کنی بیشتر در رژیمهای غیر دموکراتیک و همچنین در کشورهای فقیر جهان بوفور وجود دارد. اما نوع اسلامی و جمهوری اسلامی اش از همه انواع آن بی رحم تر و ضد انسانی تر است. در ایران اولاً رشوه گیران در مصاند دولتی هستند و چیز پنهانی نیست و اگر رشوه بگیر حق حساب مافوق خود را بدهد همه چیز برای آنان بخوبی و خوشی میگردد و بساط عیش و نوششان رو به راه است.

بقیه در صفحه 6

اعتصاب بیش از هزار کارگر معدن مس

در صفحه 11

---

## پایان دور اول ...

مسخ کردن این مطالبات و هم خلع ید کردن رقبا. ویژگی فوق نبرنگ و فریب را به مهم ترین مشخصه این دورازانتخابات تبدیل کرده بود. ج-چیدن چندین تفنگدارگوش بفرمان درسید کاندیدهای اصول گرایان باهدف ایجاد فضای رقابتی کاذب، گسترش دامنه هواداری، و بهم ریختن آرایش صفوف حریف. دراین سناریویک نفریه عنوان نسخه اصلی و "اروجنیال" برای جذب آراء پایگاه سنتی اصول گرایان منظور شده بود و بقیه برای شکستن آراء حریف، فریب مردم و نهایتاً ریختن آراء جمع آوری شده توسط آنها به سید اصول گرایان. د-تدارک هم جانبه برای کنترل صندوق ها بعنوان تضمین نهائی نتایج صندوق ها.

### صحت تاکتیک تحریم

برملاشدن سناریوی دستگاه ولایت و وقوع کودتای انتخاباتی، قبل ازهرچیز صحت تاکتیک تحریم را که اساس آن برنامه‌یسی بودن کل روند انتخابات و بی معنایی آن درنظام کنونی استواربود باثبات رساند.علاوه برآن تشدید تضادهای درونی رژیم و شکل گیری و برآمد جنبش های اجتماعی نظیر جنبش دانشجویی، زنان، زندانیان سیاسی، کارگران و ... ازدست آوردهای مهم جنبش تحریم بحساب می آید. آن چه که درپروتوکل های کنونی به این دست آوردها می توان افزود، همانا وعده هائی است که رژیم برای جلب افکاروآراء شهروندان داده، که حتی قادرنیست یکصدم آن ها را باجرا درآورد. بازشدن هرچه بیشترمرج اصلاح طلبان حکومتی وبقول خودشان پیشرو وغیردولتی درادعایشان منبى بر شروع فازدوم اصلاحات، فرونشستن گردو خاک گیج سرک های اولیه و عمق طرفندهای مافقریبانه رژیم، جملگی سرمایه هائی هستندکه مسیر شکوفائی و برآمد یک جنبش آزادخواهانه وبرابری طلبانه را بازخواهند گشود. جنبشی که هستی آن درپیوند تنگاتنگ آزادی و برابری نهفته است. اکنون رژیم درفازدوم نمایشنامه انتخاباتی خود برآنست تا باقراردادن ماروافعی دربرابرهم، مردم را درگزینش یکی ازاین دو شق مخیرگرداند. اما مدافعان واقعی دموکراسی می دانند که تنها با تکیه بردستاوردهای تاکنونی جنبش تحریم، وگسترش دامنه صفوف آن، با دوری ازبازی دربسط رژیم و تنها گذاشتن آن دربرابر انبوه فشارهای داخلی و بین المللی است، که می توانند اولاً برتضادهای درونی آن بیافزایند، وثانیاً با فراگیرکردن جنبش های اجتماعی راه گذاربه نظام واقعا دموکراتیک را بگشایند\*.

تمامی تلاش خود را برای ناکام گذاشتن مرحله دوم نمایشنامه انتخاباتی رژیم، بکارگیریم.

05.06.19

### پانویس :

\*کسانی مثل ابراهیم نبوی که گويا درآمد طنزهای سیاسی خود"علیه رژیم"را صرف هزینه نجات آن می کنند،هنوزهم متوجه نشده اند که مراد آن ها -رفسنجانی- نیز فلسفه حضور خود درصحنه سیاسی و تحمیل خود به دستگاه ولایت را، مدیون فشارناشی ازجنبش تحریم بررژیم و فشارهای بین المللی ناشی ازآن است. اگرهزینه آن گزارش ها ونظرسنجی هائی دستگاه های حکومتی منبى نارضايتی گسترده مردم ازرژیم وشرکت 20 وحداکثر 30 درصدی مردم درانتخابات نبود، اساساً نه سخنی از طراحی استراتژی باصطلاح رقابتی کردن مزورانه انتخابات درمیان بودونه رژیم وادارمی شد که ازمهره سوخته ای چون رفسنجانی سود جوید.آقای ابراهیم نبوی بجای آن که سیاست هم مسلکان خود درتحریم شکنی و بازی خوردن دربسط ولایت را آماج انتقاد قراردهد،جنبش تحریم را مورد آماج خود قرار داده است. و درحالی جنبش تحریم را مسبب روی کارآمدن یک چکمه پوش متهم می کند، که بازی دوراول نمایشنامه انتخاباتی و سناریوی ازپیش طراحی شده دستگاه ولایت جانی برای حاشاشگری وعوام فریبی باقی نگذاشته است. بطوری که حتی کسانی مثل شمس الواعظین نیز ارفقدان مشروعیت انتخاباتی و بحران انتخاباتی سخن به میان می آورندو یا حتی افرادی مثل معین دیگر حاضر به ادامه راه و پهن کردن فرش جلوی پای رفسنجانی نیستند. البته ازآقای نبوی که همواره نگاهش فقط به بالا بازی در قدرت دوخته شده انتظاری بیش ازاین نیست. توهم اصلی ایشان آنست که اصل نمایش انتخاباتی را جدی گرفته اند. تمامی بنای استدلال های خود را برروی آن ساخته اند.

سخن گویش ابراهیم یزدی نیز دریافته اند، که برطبق یک سناریوی بدقت ازقبل طراحی شده، گوئی یک دست غیبی سهم آنان ازصندوق رأی را ربوده و بحساب "ازما بهتران ریخته" شده است. ودراین میان اعلام پیشاپیش برگزیده شدگان توسط شورای نگهبان و تیتربشدن آن درکیهان قبل ازپایان شمارش نهائی، درروشنائی افکندن به پشت صحنه و وقوف به نقش دست نامرئی توسط افکارعمومی مؤثربود.

گرچه با رسیدن به این نقطه، نقشی که برای اصلاح طلبان چه ازنوع پیشرو وچه ازنوع پس روان، واگذارشده بود به پایان رسید. اما بدون آن که آن ها هرگزعلت به بازی گرفته شدن خود و معنای به پایان رسیدن نمایشنامه را دریافته باشند. آن ها فقط یکه خورده و قادربه تأمل وپارخوانی نقش خود درفراهم ساختن شرایط کنونی نیستند. وقتی ابراهیم یزدی بازبست یک استراتژیست کهنه کار، با علامت پیروزی دریای صندوق رأی عکس می گرفت، هرگز فکرنمی کرد که شاید فردامجبورشود که ازمردم بخواهد دراعتراض به این "دست نامرئی"به خیابان ها بریزند. و یا وقتی سران جبهه مشارکت دراستادهای انتخاباتی خود، بسرست ازنتایج نظرسنجی های قبل ازشروع انتخابات بودند، هرگزفکرنمی کردند که زمان مصرف آن ها-داغ کردن تنورانتخابات- دردوراول به پایان خود رسیده است. ویا حتی کسانی چون کربوبی و مجمع روحانیون مبارز هرگز برایشان قابل تصورنبود که دستگاه ولایت آن ها را نیزفریبانی کرده و سوراخ "خودی ها" را تالین درجه تگ گرفته باشد.

باین ترتیب آن چه را که درفضای انتخاباتی، دمیده شدن روح به جسدمرده و آغاز فازدوم اصلاح طلبی و پرکشیدن"قفتوس ازخاکستر اصلاحات" خواندند، چیزجزبه بازی گرفته شدن دراین نمایشنامه نبود. آن ها دوست داشتند که آن را به شنیدن "صدای اصلاحات" ازسوی دستگاه ولایت تعبیرکنند. اکنون آن ها می دانند که اگرخواهند هم چنان به سیاست ورزی خویش ادامه دهند، باید به پیشواز عالی جناب سرخ پوش رفته و فرش قرمز درزیرپاهایش پهن کنند.اعتقاد به تداوم اصلاحات، درپایان فرجامش اکنون باید امید خود را به درخشش کورسوئی درکالبد رفسنجانی دل خوش کند.

### مداخله دست نامرئی!

درجمهوری اسلامی صندوق آراء، دومتصدی و دو شمارشگردارد. شورای نگهبان که باافزایش ماموران نظارت به 4 تا 5 برابرمشابه سال های قبل و مداخله دادن وسیع سپاه و بسیج پیشاپیش آمادگی خود را برای کنترل آن اعلام کرده بود و دستگاه رسمی دولت که تلاش می کرد شورای نگهبان را ازحیطه کنترل صندوق ها دورنگهدارد. نتیجه نهائی نزاع چندماهه این دونهاد درکنترل صندوق ها ازقبل روشن بود.براساس آزمون های قبلی برهمنه معلوم بود که دولت خاتمی تسلیم شدن به دستگاه ولایت را تنها راه کنترل بحران و حفظ آبروی نظام می داند. پس تمامی هشدارها و اطلاعاتی های اصلاح طلبان به دولت خاتمی نتوانست ونمی توانست اراده وی را درحفاظت ازصندوق های رأی استوارنگهدارد.

### "دست نامرئی" برچه عناصری استواربود؟

می دانیم که درجمهوری اسلامی عملاً یک دولت صوری و رسمی وجود دارد و یک دولت واقعی و پنهان که ازطریق بیت رهبری و کارگزاران وی اراده و تصمیمات خود را به همه نهادهای باصطلاح منتخب و غیرمنتخب دیکته می کند. خطوط اصلی سناریوی ازقبل طراحی شده در بیت رهبری برسه محوراصولی استواربود: الف- برپایه داغ کردن تنور "انتخابات" ازطریق بکارگیری "اصلاح طلبان پیشرو". که باانداختن زنگوله حکم حکومتی به گردن آن ها صورت گرفت.

ب-ازطریق پوستین وارونه پوشیدن و مصادره گفتمان اصلاح طلبان ومطالبات جوانان ومردم و دادن وعده و عیده ها به آنها با هدف هم

## نگاهی به اثرات تحریم ....

نهایی طرفداران جبهه مشارکت را تشکیل می دهد. مصطفی معین، اگر به عنوان نماینده جبهه مشارکت بررسی شود، گروهی که در اندیشه اصلاح طلبی از درون حکومت است. و خود نیز بخشی از بدنه رانتهی نظام محسوب می شود و نه حزبی امروزی و مستقل با پایگاه مشخص مردمی. می توان نتیجه گرفت که ناخودآگاه جمعی مردم ایران دیگر متمایل به اصلاحات از درون ساختار نیست، با نگاهی به آمار انتخابات نیز از دیگر سو به این نتیجه می رسیم که جهت گیری توده ها در خلاف جریان اصلاحات و به سوی راست حکومت نیز نمی تواند باشد. بنابر این اندیشه بهبود خواهی و تغییر کلی ساختار اینبار از پایین خود را نشان می دهد.



با این فرض می توان چنین نتیجه گرفت که رای مرحله نخست انتخابات ریاست جمهوری به جریان راست و استبدادی حاکمیت تنها چیزی در حدود 17 میلیون بوده، همان که همیشه بوده، (البته اگر آمار رسمی را حجت بگیریم). و بخش دیگر شرکت کنندگان در انتخابات به برنامه های مختلف اصلاح طلبان درون نظام رای داده اند. روی هم رفته آرای مشخص شرکت کنندگان و مواضع حتی چندگانه تحریم کنندگان اصلاح طلب و بهبود خواه بسیار بر طیف دیگر از نظر کمی و کیفی سنگینی می کند.

اندیشه بهبود خواهی، اصلاح طلبی، یا رفرمیست، هوادار تغییر زندگی اجتماعی - اقتصادی یا سیاسی، با روش های ملایم و بدون شتاب است، اما این گرایش زمانی عملی است که آزادی های قانونی در چهارچوب نظام پارلمانی، امکان دست پایی مسالمت آمیز به قدرت را برای همه احزاب فراهم می کند. مسیر تغییرات در ایران آینده از راه اصلاحات حکومتی نخواهد بود. بلکه ناخودآگاه جمعی مردم ایران در روز انتخابات 27 خرداد، بهبودخواهی و رفرم را تا حد مقدور، از میان مردم و پایین جامعه برگزید. و به جبهه مشارکت به عنوان باندی حکومتی که تنها فرصت سوزی می کند و پس، رای نداد.

اما بحث اینک بر سر انتخاب بین "بد" و "بدتر" نیست و پیش از این هم هرکس چنین می پنداشته خیالی خام بیش نبوده و نیست! چرا که مردم نشان دادند که این انتخاب را نخواهند کرد. نگاهی به آرای قلیل معین و مهرعلیزاده بیانگر چنین رویکردی در بین مردم است. بنابر این نمی توان تحریم کنندگان انتخابات را محکوم کرد که مقصر وضع پیش آمده هستند. اساساً نباید دنبال مقصری جز خود گشت. همان ها که در توهم رای دو ده میلیونی دوباره برای کاندید اصلاح طلبان حکومتی بودند.

انتخابات 27 خرداد، صف بندی ها را مشخص تر می کند. رئیس جمهوری که با رای حداقلی مردم بر سر کار بیاید، مطمئناً با توجه به عملکرد دو دوره پیشین خاتمی، امکان سرکوب گسترده و بستن جامعه را نخواهد داشت. ترس از حضور فاشیسم و فزاینده اهمیت کاری شرکت کنندگان در انتخابات که از این راه قصد انشقاق در حاکمیت و پیشبرد خط خویش را داشتند، برخوردی غیر منطقی و بدون تحلیل مشخص اجتماعی است.

ناراضیانی مردم و صراحت در ابراز آن از مسائلی است که در ایران امروز بسیار به چشم می خورد، روشن است که مردم انتظارات بسیاری داشتند که برآورده نشده. و در نتیجه سرخوردگی همراه با خشم در بسیاری از مردم دیده می شود. وضعیت لباس پوشیدن، گفتار و رفتار نسل امروز با گذشته متفاوت است. دربرابر تکنولوژی و عواطف بشری هیچ سدی نمی توان بست. جهان امروز جهان متفاوتی شده؛ پس نباید با اتکا به تحلیل های نادرست دودهده پیش

بنابر این طراحان تحریم با اینکه شکست صددرصدی هم متحمل نشدند، به پیروزی کامل نیز دست نیافتند. دلایل این امر را می توان در چند بخش عمده خلاصه کرد.

1) طیف های تحریم کننده غالباً از خارج از کشور و خارج از نظام فعالیت می کردند، در حالی که به دلیل حذف رسانه های آزاد صدای آن بخش از تحریم کنندگان که دلایل تئوریک و مستدل برای تحریم داشتند، و مباحث مطرحه کمتر و شاید خیلی کمتر از شعارهای سیاسی موافق و مخالف به گوش می رسید.

2) به دلیل گستردگی و تنوع غیر همگرا در طیف هایی از اپوزوسیون که به تحریم انتخابات همت گماردند. نوعی سردرگمی در عملکرد همه ی آن ها مشاهده می شد.

3) دلایل و راهکارهای مشخصی از سوی تحریم کنندگان برای وضعیت پس از تحریم ارائه نگردید. یا اگر ارائه شد، آنقدر کلی بود که قابل اتکا نبود.

4) تحریم انتخابات به عنوان یک موضع سیاسی و نه موضع منفعل تبلیغ و بسط داده نشد. مباحث شعاری و مواضع حزبی و سازمانی اکثر مقالات طیف تحریم کننده انتخابات را تشکیل می داد. در این میان تنها می شود به مجموعه مصاحبه های مجله آرش با فعالان اپوزوسیون به عنوان مرجع نسبتاً تئوریک برای طرح تحریم اشاره کرد.

با این همه نمی توان آن ها را که رای ندادند مانند رهبرجمهوری اسلامی توجیه کرد که اغفال شدگانند یا معذورتی دیگر داشتند. بلکه اگر تحریم انتخابات یا عدم شرکت فرد فرد آن ها که رای ندادند نیز به عنوان یک رای و اقدامی سیاسی، شمرده شود، همان طور که همه ی رای ها به تعبیر رهبری، رای به نظام شمرده می شود. آنوقت می توان به این نتیجه رسید که مخالفان نظام نیز کم از شرکت کنندگانی که لزوماً همه موافق نظام اسلامی هم نیستند، ندارند.

این برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی است که انتخابات ریاست جمهوری به مرحله دوم کشیده می شود. عدم اجماع اصولگرایان و حضور مجدد هاشمی رفسنجانی در عرصه انتخابات دلیل این مسئله است. بدین ترتیب است که رای کاندید اول ریاست جمهوری در مرحله فعلی، کمتر از شش و نیم میلیون، یعنی کمتر از یک دهم جمعیت ایران است.

مردم در ایران به دلیل عدم آموزش صحیح و ناآگاهی از حقوق شهروندی - که از مهمترین افعال کاری های دولت اصلاحات بوده و هست - به درستی معنای انتخابات و دموکراسی را درنیاخته اند. الیگارشسی روحانیت شیعه حاکم بر ایران، همواره و در طی دو دهه گذشته تنها آنچه که منافع قشری اش را حفظ کند نگاه داشته است. به دیگر قول «برهمگان روشن است که نظام جمهوری اسلامی بر خلاف اسم و ظاهر آن یک "جمهوری" به معنی متعارف کلمه نیست، بلکه یک نظام سیاسی توتالیتر است که بنیاد آن بر "اصل ولایت فقیه" استواراست و خود مضمون "جمهوری" مشروط و مقید به این اصل است. عبارتی دیگر جمهوری اسلامی، جمهوری طرفداران ولایت فقیه است.» (1)

و دقیقاً از همین روی است که وقتی آقای معین که خود با حکم حکومتی به جمع کاندیدها اضافه شد، اعلام می کند که زین پس حکم حکومتی را نمی پذیرد و رهبری می بایست در جایگاه قانونی و متعارف خود باشد، به راحتی، خود و جبهه مشارکت را در معرض اخراج از حاکمیت قرار می دهد. و البته چیزی به رای هایش اضافه نمی شود!

جبهه مشارکت اسلامی که خود را به عنوان یک حزب مطرح می کند، اساساً پوسته ظاهری یک حزب را به خود گرفته و در باطن، با تعاریف مدرن و امروزی یک حزب منسجم نیست. بنابراین توان نمایندگی طبقه خاصی از اجتماع را ندارد و تنها با اتکا به وضعیت سیاسی و موج سواری های مقطعی توانست رای مجلس ششم را کسب کند. آرای مردم به معین، به عنوان چهره ای که از سوی این حزب معرفی شده بود، یعنی عدد 4 میلیون و 54 هزار و 204 رای، تعداد واقعی و

## نگاهی به اثرات تحریم ....

- (1) نه آقایان ، گزینه "بد" و "بدتر" کردن موقوف، امیر جواهری لنگرودی
- (2) آیا ملت ها مجموعه هایی ساختگی و تصوری هستند، مسعود فاضلی

برای امروز هم نسخه پیچید و آن ها را که به این نسخه عمل نمی کنند تنبیه و طرد کرد. این گفته همان طور که به طلب کاران از تحریم کنندگان برمی گردد، در مورد رئیس جمهور آتی که حالا قطعاً از جناح اصلاح طلبان نیست، نیز صادق است. مسئولیت هر اتفاقی که در آینده ایران خواهد افتاد، گو اینکه اتفاقی مترقی و در جهت نیل به دموکراسی باشد و یا غیر آن، بر عهده فرد فرد ایرانیان است. چه آن ها که در این انتخابات شرکت کردند و چه آن ها که شرکت نکردند. این همه بخشی از روند تجربی آزمون و خطا در راه رسیدن به آزادی و دموکراسی مردم ایران است.

در ایران بالاخص پس از دهه پنجاه، مفهوم مردم، به معنای مدرن و امروزی که در حال شکل گیری بود، به امت مبدل شد. و در ادامه ساختار بیمار و نافرمام رژیم پهلوی و پیش از آن، به جامعه ای هرمی که دارای مرکز و حاشیه بود مبدل گردید. در جهان سوم ملت همواره در تقابل با سرمایه داری رشد کرده و به معنای مدرن کلمه نزدیک شده است. با این همه «ملت مفهوم خود را از مذهب، حکومت الهی، یا دودمان پادشاهی اخذ نمی کند» (2).

اتفاقی که از این پس و در تقابل مردم با حاکمیت در ایران رخ خواهد داد، با توجه به روند رو به رشد تکنولوژی، وجود ماهواره و ازدیاد روزافزون کاربران اینترنتی در ایران، حرکت مستقل جامعه، هنگام شکل گیری ملت، به سوی دموکراسی و آزادی عدالت محور و تغییر شکل هرمی نظام اجتماعی خواهد بود. آنچه مستقل از اراده حاکمیت، و طیف های مختلف درون آن تا امروز روی داده و از امروز به بعد شتابان تر روی خواهد داد؛ چرا که رشد و پیدایش ملت، افقی، همه گیر، و نیازمند برابری و عدالت است.

از دیگر سو بر اثر این تغییرات دولت به پدیده ای خارج از نظام حکومتی تبدیل می شود، و ناگزیر عملکردی قانونی به خود می گیرد. نمونه ژاپن، و تحویل مسالمت آمیز قدرت توسط امپراتور به دولت و تقریباً حتماً نمونه یوگوسلاوی از این دست است که موفقیت فشارهای توده های مردم و جوان ها را در دراز مدت نشان می دهد.

این نکات ابداً بدین معنا نیست که به دولت دست راستی آینده خوشبین بود و اجازه داد که تحولات سیر طبیعی و پرنج خود را طی کنند. مسلماً مقاومت از بالا بیشتر از فشار پایین خواهد بود. و همواره نبردی نابرابر که از یک سو با اراده مردم در جامعه و از دیگر سو با رانت نفتی در حاکمیت، نیرو می گیرد در پیش خواهد بود. اگر اصلاح طلب ها هم برنده میدان انتخابات بودند فرقی در نفس عمل تقابل نداشت، اما اینگونه نشان داده می شود که حضور اصلاح طلب ها از هزینه ها، دست کم در قشر روشنفکر و دانشجو کم می کرد.

نگاهی به رخدادهایی از قبیل قتل های زنجیره ای، حمله به کوی دانشگاه تهران و تبریز، توقیف گروهی مطبوعات، عدم تصویب مصوبات مجلس ششم توسط شورای نگهبان، زندانی و شکنجه دگر اندیشان، قتل زهرا کاظمی، عدم اعاده حیثیت و محاکمه آمران و عاملان اعدام های بدون محکمه در دهه 60 و هزاران مورد قابل ذکر دیگر، نشان می دهد که هزینه های دست یابی به جامعه مدنی با حضور اصلاح طلب ها هم تغییر چندانی نمی کند. بنابراین، از آنجا که رئیس جمهور دست راستی بعدی، نمی تواند یک شبه ایران را روزه خانه کند و یا یک شبه ایران را به وضعیت اقتصادی مناسبی برساند، جای تشویب و نگرانی نیست که تغییرات اساسی در زیربنای دولت به ناگزیر رانتینر رئیس جمهور آینده پیش بیاید. تنها شاید به دلیل نزدیکی بیشتر وی با راس هرم، از رانت بیشتری در تصویب لوایح نسبت به اصلاح طلب ها برخوردار گردد. لوایحی که عمدتاً در عرصه اقتصادی و جهت بهره ورگی بیشتر از رانت نفتی در نظام، توسط باندهای دولتی خواهد بود و لایحه و البته باز هم تفاوتی ندارد با طرح ها و لوایح غیر قابل ارائه و تصویب نشدنی اصلاح طلبان در زمینه های حقوق مدنی شهروندان و ...

دست آخر تحریم بیش از پیش در مرحله دوم انتخابات و عدم مشارکت مردم در ساختار نظام را طرحی آغازین و نخستین گام در زمینه نافرمانی های مدنی می توان قلمداد کرد. نافرمانی هایی که تضاد را به مرحله نتوانستن بالایی ها و بیان نخواستن توسط پابینی ها می کشاند. سعی در تغییر ساختار کلی هرم اجتماع دارد.

### \* با ما ارتباط بگیرید \*

سر دبیر هفته نامه

[arash.k@rahekargar.net](mailto:arash.k@rahekargar.net)

روابط عمومی سازمان

[public@rahekargar.net](mailto:public@rahekargar.net)

تلفن عمومی سازمان

49 -40 -6777819

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت رادیو برابری

[www.radiobarabari.net](http://www.radiobarabari.net)

سایت راه کارگر

[www.rahekargar.net](http://www.rahekargar.net)

سایت اتحاد چپ کارگری

[www.etehadchap.com](http://www.etehadchap.com)

سایت رادیو صدای کارگران ایران

[www.sedayekargaran.com](http://www.sedayekargaran.com)

توجه : مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص میشوند ، الزاماً بیاتنگر مواضع سازمان نیستند .

## رنال پولیتیک و سرمایه گذاری روباه پیر!

دربزرگ زاری انتخابات ریاست جمهوری در ایران هر فرد و نیروی سیاسی باموضع گیری روشن تکلیف خود را باانتصاباتی که به نام انتخابات در پیش بود روشن کرد. بجزبخشی از استحاله طلبان رفرمیست، بخشی ازاصلاح طلبان ولیبرالها اکثریت قریب به اتفاق مردم به دلیل نبود آزادی و هیچگونه حق گزینش انتخابات را تحریم کردند.

رژیم برای مقابله با چنین وضعیتی در این هفته های آخرسخت به تقلا افتاد واز آنجایی که پی برده بود درداخل کسی دیگرتره ایی برایش خورد نمی کند تلاش کرد با دعوت از مطبوعات خارج بخصوص دول امپریالیستی ازیک سو برای

خود آبرویی دست و پا کند وازدیگر سو با انعکاس آن درداخل وانمود کند مقبول جهانیان است وبنابراین مشروع.

رساته ها البته نه تنها استقبال کردند بلکه خود نیزبرنامه مفصلی را براساس اصل رآل پولیتیک که درکاربرد آن خبره اند تدارک دیدند.

در این میان، کشتی این فرستادگان کنسرنها ی بزرگ خیرسازی ومحافل سیاسی امپریالیستی در جایی لنگر انداخت که بیشتر از همه جا

نان آب وجود داشت ومهره ایی کار کشته مدیریتش میکرد. این " مدیر کاردان!" کسی نبود جز آقای اکبر هاشمی رفسنجانی. " روحانی

ای که زیرکانه بین محافظه کاران واصلاح طلبان مانوور میدهد ومورد شک نیست که بخواهد دردیسکوتک ها را باز بگذارد." (1)

" رفسنجانی آیت الله تجارت " تیتز بزرگ مقاله پنج صفحه ای مجله " لویوان." سیاستمداری که " خیلی برای معرفی خود مردد بود ولی

آمده است تا کشور به دست افراطیون نیفتد. چهار کاندیدای محافظه

کار همه پاسدارند" (2) ومسوول کارزار انتخاباتی او مهدی فیروزان می گوید: " من رفسنجانی را دوست ندارم ولی او تنها کسی است که

میتواند ایران را از این مردابی که درآن گرفتار آمده بیرون آورد. اما من به او رای نمی دهم!" (3)

ویکی از دوستان نزدیک رفسنجانی که نویسنده مقاله نام نمی برد می گوید: " او همیشه در مقام دوم قدرت بوده ودرحذف ونابودی

نیروهای سکولار وچپ شرکت کرده!" جالب اینجاست که رساته ها

چه محافظه کارچه لیبرال یا به اصطلاح مستقل همه یک سازرا کوک کرده اند. روزنامه پرسه میگوید: " درمیان هشت نفر کاندیدای تایید

شده رییس جمهورقبلی بهترین شانس را دارد. از همه بیشتر میتوان به او اعتماد داشت که با مذاکره بحران برنامه اتمی با امریکا را حل

وفصل کرد." (4)

آقای هاشمی رفسنجانی که چندی پیش منت گذاشت وگفت حاضراست کاندیداتوری ریاست جمهوری را بخاطر مردم قبول کند! ولی

درعین حال برای تبلیغ با مشکل مالی روبروست!؛ اخیرا درچمن قصرمرمری خود درتهران کناریکی از کاجها، ز یرنورآفتاب مشغول

خواندن روزنامه " جمهوری اسلامی" وظاهرا مصاحبه با مجله تایم است. هرچند مصاحبه کننده سعی کرده است فقط بخشهای کوتاهی

ازمصاحبه را نقل کند که با فضای سیاسی روزخوانایی دارد اما نگاهی به فرازهایی ازافاضات ایشان بیشترروشن میکند که چرامردم

اورامهره ایی سوخته وچهره ایی آبروباخته میدانند. وقتی از اوسوال میشود که آیا به دموکراسی اعتقاد دارد میگوید: " مطمئنا به دموکراسی اعتقاد دارم

ولی معتقدم که باید این روند را گام به گام پیش برد." ودرست یک جمله بعد از آن می گوید: " درایران پس از انقلاب ما همیشه دموکراسی واقعی داشته ایم.!!!"

مجله تایم برای نشان دادن اینکه رفسنجانی تا چه اندازه شجاع ومرد میدان سیاست است بدون اشاره به منبع خبر ضمن اشاره به اینکه خاتمی درزمان ریاست کلینتن برای دست دادن به اودرسازمان ملل از خامنه ایی تلفنی کسب تکلیف میکند وخامنه ایی اجازه نمی دهد، بازم بدون اشاره به منبع خبراشاره میکند که دراین دورخامنه ایی پیامی ازطریق خاتمی برای رفسنجانی می فرستد مبنی بر اینکه بهتر است درانتخابات شرکت نکند ورفسنجانی درجواب می گوید: " من عمود انقلابم. من ازکسی اجازه نمی گیرم." (5)

روزنامه استاندارد چاپ اطریش شانزده یونی می نویسد: " روباه پیر، هاشمی رفسنجانی، بعنوان مدرن ترین وغیر ایدئولوژیک ترین کاندیدا به میدان آمده است.!!! حتی کاتال آرت آلمان که کانالی به نسبت معتبراست. طی برنامه ایی دوساعته ازایران وروزنامه "

شرق" که گفته میشود تحت کنترل رفسنجانی است همین سیاست را

درپیش گرفته بود واگردوتحلیل گر مطلع وبی طرف رادریپایان برنامه درمورد ایران به بنظرخواهی نمی طلبید هریبنده ایی تصور میکرد

برنامه را گروه انتخاباتی رفسنجانی رااندازی کرده است. بر همین سیاق بود مصاحبه کریستین امان پورخبرنگار امریکایی درتهران.

هیچیک از مصاحبه کنندگان و روزنامه نگارانی که دراین کارزاررفسنجانی ساخته وپرداخته شرکت داشتند حتی درتحلیل های

خود به جنایاتی که رفسنجانی خود یکی از برنامه ریزان وسازماندهندگان اصلی آنها بوده است به روشنی اشاره ایی نکرده

اند. همه مقالات ومصاحبه ها در راستایی بود که رفسنجانی میخواست: اینکه

اولا سیاست مداری است دمکرات و صدهازار انسان بی گناه را قربانی جنگی ویرانگرورسواسرانجام نکرده است.

ثانیا به دلیل ایمانش به دموکراسی! درهیچ یک ازترورهای داخلی وبین المللی دست نداشته ودردادگاه میکونوس هم غیابا محکوم نشده است.

ثالثا در دوره ریاست پیشین خود اقتصاد مملکت را با بیش ازسی میلیارددلار بدهی بیشتر دچارنساخته.

رابعا تنها سیاستمداری است که میتواند با امریکا کناریباید ودعوای چنددهه ایی را سرانجام بخشد.

خامسا به نفع دول امپریالیستی است برای گسترش نیافتن مبارزان مردم بااوکناربیایند زیرا او تنها حایل قابل اتکا میان مردم وافراط

کاریهای خامنه ایی ودارودسته ی اوست.

نتیجه انتخابات هرچه باشد کارزارتبلیغاتی رفسنجانی باردیگرهمگرایی نیروهای داخلی وبین المللی درجهت حفظ وضعیت موجود ووحشت آنها ازجنبشی که آهسته ولی پرتوان درجامعه

مادرحال فراویست رابه خوبی نشان میدهد.اما

فریاد آزادیخواهی مردم درهمین گرماترم انتخابات صدایی است رساترازصدها بوق و کرنا ی تلویزیونهای داخلی وبین المللی وبرملکننده شوها ودرغیردازی های رسوایشان.

زیرنویس ها:

- 1- روزنامه دی ولت چاپ آلمان چهاردهم یونی
- 2- مجله لویوان چاپ فرانسه. نهم یونی. نظر مهدی هاشمی رفسنجانی پسررفسنجانی
- 3- همان جا
- 4- روزنامه پرسه چهاردهم یونی
- 5- مجله تایم سیزده یونی صفحه 32

## رژیم اسلامی و پدیده ....

میدیدند که برای بغارت بردن آن زمان زیادی وقت داشتند . آنها ابتدای بایستی مزاحمها یعنی روشنفکران و کمونیستها را نابود و متفرق کنند و سپس با خیال راحت این ثروت باد آورده را به تاراج ببرند.

بعد از سرکوب مردم آزادی خواه و کمونیستها؛ رژیم اسلامی شروع به اجرای برنامه ها غیر انسانی خود نمود.

آنها از فروش سیگار های سهمیه ای گرفته تا فروش کوبن مرغ و تخم مرغ و بنزین در بازار آزاد تا احتکار سیب زمینی و پیازو فروش آن به دهها برابر قیمت اصلی ؛ تا فروش امضا آخوند های محل برای دادن یک تاییده از سوی انجمن اسلامی یا امضای یک ورقه معمولی در ادارات جمهوری اسلامی ؛ شروع به سرکبسه کردن مردم نمودند. این پدیده شوم و فساد اقتصادی - اداری وسیله چپاول مردم توسط اغلب مقامات بلند پایه دولتی در جمهوری اسلامی میباشد . آنها گاه پست های آبدارچی را به قیمت های کلان میفروشند واز محل درآمد آبدارچی مقدار بسیار بالایی را نیز بعنوان سهم خود طلب مینمایند. این شیوه سرکبسه کردن مردم بعنوان يك فرهنگ و رفتار نهادینه در خشت خشت رژیم جمهوری اسلامی جا خوش کرده است . امروزه این پدیده آنقدر در ادارات دولتی جمهوری اسلامی ملموس شده که افراد قبل از این که پای خود را به اداره ای بگذارند به شناسایی «کارچاق کن ها» و رشوه گیرهای هر بخشی از اداره مذکور می پردازند تا هرگونه موانع قانونی و غیرقانونی را به راحتی با پرداخت اسکناس از سر راه خود بردارند. کار چاپیدن مردم تا بدانجا کشیده است که قالبیاف یکی از رهبران این سیستم اعتراف کرده است که " در یک فقره در سال 83 فقط 955 نفر رشوه گیر از نیروی انتظامی اخراج شده اند". حال این افراد چرا اخراج شده اند در پرده ای از ابهام میباشد . زیرا در ایران افشاگری مقامات ممنوع است. بنابر این نمیتوان گفت که دست آنها رو شده است و رژیم آنها را کنار گذاشته . تنها به این بسنده میتوان کرد که آنها حق و حقوق بالایی ها را نداده اند و باید بر کنار میشدند . اگر غیر از این است میبایستی آنها را محاکمه میکردند و همه پولهای مردم را پس میگرفتند و به صاحبانشان باز میگرداندند. این کار را نکردند و به همین اقتناع کردند که بگویند که این همه رشوه خوار را اخراج کرده اند و ما اکنون با رشوه خواری مبارزه میکنیم!

دلیل رشوه خواری در مملکت اسلامی روشن است . اولاً رایج بودن سیستم اقتصاد انگلی و دلالی در تجارت و عدم وجود یک اقتصاد مستقل در مملکت ، رکود تولید وجود روزنه های قانونی چپاول مردم و بلاخره همدانستانی دست اندرکاران رژیم با این شیوه غیر انسانی.

در این رابطه بهتر است نگاهی به نظر آقایون " علمای اعلم" بیانداریم. " مراجع تقلید" این شیوه چپاول را با صراحت منع نمینمایند. مثلاً:

مکارم شیرازی که خود یکی از رهبران دینی این رژیم میباشد؛ میگوید " چنانچه شخصی برای احقاق حق خود راهی جز پرداخت مبلغی نداشته باشد و سبب تضییع حق دیگری نشود، دهنده مرتکب گناهی نشده است. (سایت دریچه)

مظاهری نیز در این باره معتقد است " دهنده رشوه اگر مجبور باشد حق قانونی و شرعی خود را از راه رشوه بگیرد، اشکال ندارد .

اما اگر حق و حقوق مافوق داده نشود حتی شاید به چوبه اعدام هم سپرده شود. وقایع مختلف در ادارات که منجر به افشاگری یکی شده و نام همه دست اندر کاران در تاریکی مانده است پی آمد چنین وضعیتی بوده و میباشد. ناگفته های فراوانی در پرونده های ماهدشت و هزاران پرونده دیگر وجود دارد که جز خود دست اندرکاران رژیم اسلامی کسی از آنها با خبر نیست و تا زمانی که این رژیم بر قدرت استت حقایق در حاله ای از ابهام قرار خواهد گرفت. ثانیاً رشوه خواران در رژیم اسلامی نرخ دارند مثلاً نمیشود کاری را که با دادن 100 هزار تومان تمام میشود با 50 هزار تومان تمام کرد . در نامه ای که از ایران داشتم نوشته بود که او میخواست است پرونده بازنشستگی شوهرش را از اداره بازنشستگی بگیرد و یک اطلاعات مختصری را از آن بیرون بیاورد . طرف مربوطه یک سرگرد نیروی زمینی بوده و واسط او فردی بوده که میبایستی مبلغ رشوه را به او میداده است . فرد مذکور دم کوش این خانم میگوید " برای این کار باید 100 هزار تومان پرداخت نمایم". وی با تعجب " میبرسد مگه من سر گنج نشسته ام". سرگرد مربوطه میگوید " امروز ساعت کار من تمام شده و هیچ کاری از دستم بر نمیآید". هرچه این خانم اصرار میکند به نتیجه نمیرسد و چون بایستی همان روز اطلاعات مربوطه را به اداره دیگری که به آن هم رشوه پرداخته بوده است منتقل نماید " میگوید به جهنم من قبول میکنم". فرد کارچاق کن به پیر زن میگوید " برو بیرون من الان میآیم". وی در پشت در منتظر میماند و فرد کارچاق کن فراموش میکند در را محکم ببندد، از اینجهت تمام حرفهایی را که بین سرگرد و فرد کارچاق کن ردو بدل میشود را میشنود. فرد کارچاق کن که قبل از آن به نرمی با سرگرد صحبت میکرد ، اینبار با صدای نسبتاً بلند به او پرخاش میکند و به او فحش مادر میگوید و انگار که مشتی هم به صورت او زده است . به او " میگوید این پیر زن نمیتواند از 100 هزار تومان بیشتر بپردازد من او را میشناسم و این را میدانم. تازه از این پول که 70 هزار تومانش هم مال تو است و من باید از 30 هزار تومان بقیه به سید حسن هم بدهم". سرگرد رضایت میدهد و کارچاق کن وی را صدا میکند. و میگوید " جناب سرگرد قبول کردند که امروز کار شما درست شود به شرط اینکه پول را الان بپردازی آن هم نه به من بلکه در یک پاکت میبری به نگهبانی میدهی و به او میگویی این یک امانت است یکی میآید آنرا میگردد. من گفتم رسیدی چیزی نباید بگیرم او گفت نه او آدم با خدایی است و امانت دار میباشد". پیش خود گفتم او خداتو بزن به اون کمرتون حقه بازهای چاپلوس"

آنها اصلاً فکر نمیکند که طرف چقدر پول دارد؛ چه میزان درآمد دارد و چه میزان میتواند رشوه بدهد . گاهی انسان مجبور است برای پرداخت رشوه اقدام به گرفتن وام کند و برای گرفتن وام اقدام به دادن رشوه کند! درنده خوبی است وقتی سردمداران رژیم اسلامی آن را منع نمیکند. در سالهای اول انقلاب، هیچ چیز رژیم روشن نبود. آنها بیشتر آدم میکشند تا اینکه دنبال پول باشند ؛ زیرا که خود را برتلی از ثروت باد آورده



### فراخوان شماره 3

**اعتصاب غذای زندانیان سیاسی رجایی شهرو  
فردیس کرج، اوین را به یک کارزار جهانی بدل  
نماییم! به جهانیان اعلام می نماییم:**  
**در ایران تازندگان و زندانی سیاسی هست،  
انتخابات آزاد نیست، تحریم باید گردد!**

تهدید زندانیان اعتصابی به مرگ در زندان رجایی شهرکرج و  
تهدید تلفنی فعالین دانشجویی از جمله: شیوا نظراهارای واعلام  
اینکه: در روزهای آینده با حکم قضایی، تمامی این افراد  
دستگیر خواهند شد...

### مدافعان حقوق بشرو آزادی ستانان ایرانی!

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی گزارش داد: " چهارشنبه (25 خرداد 84) یکی از زندانیانهای زندان رجایی شهر به نام سید صالح، معروف به سید سادات، زندانیان سیاسی اعتصابی را تهدید به مرگ کرد " و...." در زندان رجایی شهرکرج، حال زندانیان اعتصابی از جمله: بینا داراب زند، ارزنگ داوودی و امیرساران وخیم گزارش شده است، به طوری که توان حرکت از آنان سلب شده است" .... "همچنین امید عباسقلی نژاد که در زندان کجویی فردیس از تاریخ 11 خرداد ماه دست به اعتصاب غذا زده بود دیروز به دلیل وخامت حالش به بهداری زندان منتقل شد. وضعیت زندانیان اعتصاب کننده در زندان اوین نیز وخیم گزارش شده است." این کمیته گزارش نموده است:

### " اسامی زندانیان سیاسی اعتصاب کننده:

مهندس حشمت الله طبرزدی-- امید عباسقلی نژاد-- منوچهر محمدی-- مصطفی جوکار-- حجت بختیاری-- مهرداد حیدریپور-- مهرداد حیدریپور-- کاوه مدنی( فتاح)-- اکبر گنجی-- ناصر زرافشان -- بینا داراب زند-- امیر ساران-- ارزنگ داوودی-- خالد جردانی-- ولی الله فیض مهدوی-- جعفر اقدامی-- حجت زمانی-- بهروز جاوید تهرانی " در ادامه گزارش آمده است: " . این در حالی است که سخنگوی قوه قضائیه چندی پیش گفته بود در حال حاضر فقط 2 تن از زندانیان در اعتصاب غذا هستند( اکبرگنجی و ناصرزرافشان).! و براین همه نام ناصفعلی هدایت را نیز می توان افزودهمین تعداداز اعتصابیون زندان

## سه شنبه این هفته برگزار می شود : تجمع در برابر دفتر سازمان ملل در تهران برای آزادی دکتر زرافشان

### مردم شریف و آزاده ایران!

پانزده روز از اعتصاب غذای دکتر ناصر زرافشان وکیل پرونده قتل های سیاسی موسوم به قتل های زنجیره ای می گذرد، بی آن که هیچ تغییری در وضعیت او حداقل در جهت اقدام برای مرخصی استعلاجی و مداوای بیماری حاد کلیوی وی صورت گیرد . این در حالی است که در پی اعتصاب غذا وضعیت عمومی او هر لحظه بحرانی تر می شود .

بدینوسیله کمیته پیگیری از مردم آزادی خواه ایران دعوت می کند ، روز سه شنبه 31 خرداد 1384 از ساعت 5 تا 7 بعد از ظهر برای نجات جان دکتر ناصر زرافشان ، مقابل دفتر سازمان ملل متحد حضور بهم رسانند. برنامه های بعدی متعاقبا به آگاهی عموم خواهد رسید .

**نشانی : جاده قدیم شمیران ، خیابان دروس ، بلوار شهرزاد ،  
دفتر سازمان ملل متحد.**

**کمیته پیگیری آزادی دکتر ناصر زرافشان  
یکشنبه 29 خرداد 1384**

## • فراخوان عمومی برای آزادی (ادامه درمان در خارج از زندان) دکتر ناصر زرافشان وکیل پرونده قربانیان قتل های زنجیره ای

### مردم شریف و آزاده ایران!

سالهاست که مردم ایران برای دست یابی به حقوق انسانی خود تلاش می کنند و در این راه مبارزان و آزادی خواهان بسیاری دریند به سر می برند .

دکتر ناصر زرافشان مدت 12 روز است که در اعتراض به سلب ابتدائی ترین حقوق خود (ادامه درمان در خارج از زندان) در اعتصاب غذا به سر می برد جان ایشان در خطر است . براساس گزارش واصله از خانواده و وکیل آقای اکبر گنجی پس از بازگشت به اوین اعتصاب غذا را شروع کرده و در انفرادی ممنوع الملاقات می باشد .

ما ضمن حمایت از تحسن کمیته پی گیری آزادی دکتر ناصر زرافشان، از همه مردم انسان دوست ایران و حامیان حقوق بشر و کلیه آزادی خواهان دعوت می کنیم که در گرد هم آبی روز سه شنبه 31 خرداد 1384 از ساعت 17 الی 19 در مقابل دفتر سازمان ملل متحد حضور به هم رسانند.

### خانواده دکتر ناصر زرافشان

### خانواده زندانیان سیاسی

### دفتر تحکیم وحدت

### سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت)

### اتحاد دموکراسی خواهان ایران

### ماهنامه نامه

### نشریه دانشجویی بذر

### کارگران موکل دکتر ناصر زرافشان





است که شیوا نظاره‌اری فعال جنبش دانشجویی در گزارش امروزش فریاد بر می آورد " ...

چونها دراین چند روز چقدر خون دل خوردند تا مرزین زندانی خودی وغیرخودی را از بین ببرند و چه میدانستند که چقدر فریاد زند تا همه بشنوند که 18 تن دیگر نیز در این زندانها در حال اعتصابند ، اما تنها به این دلیل که خواسته های آنان سیاسی است ، نامشان از تمامی خبرگزاریها و صفحات روزنامه ها محو شده است...." ما نیز چنین کنیم وفریاد برآوریم: که نامبرده گان در حال اعتصاب به همراه تمامی زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!



درايران :

-- تشکیل احزاب و سازمان های مستقل سیا سی ممنوع است.

-- فعالان سیاسی با تبعیض، فشار، ضرب و شتم، زندان و شکنجه روبرو هستند . تشکیل سازمان ها، سندیکاها ، شوراهای اتحادیه ها ، مستقل و آزاد ممنوع است.

-- زنان، اقلیتهای ملی ، جنسی و دگراندیشان مذهبی یعنی اکثریت ایرانیان، رسماً از حق انتخاب شدن محروم هستند و رسانه های رسمی در تسلط کارگزاران حاکم قرار دارد و در اورترازهر چیز به سبب آنکه ده ها نفر به دلیل محرومیت از بیان اندیشه ونوشتن آزاد قلم و کلام خویش در بدترین شرایط در زندان ها به سر میبرند.

ما امضاء کننده گان این فراخوان ضمن دفاع ازاعتصاب غذای تمامی زندانیان سیاسی ازجمله: فردیس کرچ -- رجایی شهر -- اوین وهرزندان دیگری به وسعت ایران، ضمن نه گفتن به انتخابات رژیم و پشتیبانی از مبارزات زنان، جوانان ، دانشجویان ترقیخواه و حمایت از تجمع خانواده های زندانیان واعضاء کانون نویسنده گان ایران در مقابل زندان اوین، ضرب و شتم و دستگیری های روز سه شنبه و چهارشنبه را محکوم می کنیم . آزادی بی قید و شرط تمامی دستگیر شده گان هجمعات و اجتماعات روز های اخیر را بلا درنگ خواستاریم .

ماتلاش می ورزیم در سطح جهان با استفاده ازهر ابزار اعتراضی ، صدایمان را بر علیه نظام اسلامی ایران به گوش جهانیان رسانده و یک صدا اعلام می داریم .

1- ما امضاء کننده گان این فراخوان عام خواهان :

1--: خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی

ودستگیرشده گان حوادث اخیر می باشیم !

2 -- پشتیبانی از داد خواهیهای خانواده های زندانیان سیاسی و متحصنین در مقابل زندان اوین وخواست اعضاء کانون نویسنده گان ایران در دفاع از آزادی تمامی زندانیان سیاسی ، زندانیان کشور، از خواستههای ما می باشد.

3 -- ضمن محکوم کردن هرگونه ی دستگیری فعالین سیاسی ، زندانی نمودن ، اعمال شکنجه ، خواهان پایان بخشیدن محاکمات در بسته و صدور احکام سنگین و اعلام در سراسر ایران می باشیم.

4 -- اعزام یک هیئت از جانب نهاد های بین المللی ، جهت بازدید زندان ها ، گفتگو با زندانیان سیاسی و ملاقات با خانواده های زندانیان سیاسی و ارائه گزارش به افکار عمومی جهان ، خواست ما می باشد!

**اسامی نهاد های فرهنگی و اجتماعی در خارج از کشور :**

1 -- انجمن دفاع از زندانیان سیاسی وعقیدتی در ایران - پاریس 2- کمپین دفاع از مبارزات دموکراتیک مردم ایران- انگلستان 3- کانون دفاع از آزادی بیان - گوتنبرگ (سوئد) 4 - کمیته دفاع از آزادی و دموکراسی در ایران - وین (اتریش) 5- سازمان پناهندگی پریم - هلند 6 - رادیو صدای زن - ونکوور(کانادا) 7- کانون پناهندگان سیاسی ایرانی - برلین (آلمان) 8- کانون دفاع از زندانیان سیاسی - برلین

( آلمان ) 9- انجمن بیداری ایرانیان هانور-آلمان 10- کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران - آخن (آلمان) 11- کانون اجتماعی - فرهنگی اندیشه - هلند 12- تشکل مستقل دمکراتیک زنان ایران - هانور(آلمان) 13- شورای پناهندگان ایرانی برمن - آلمان 14- کانون فرهنگی - سیاسی اندیشه - مونستر (آلمان) 15- کانون مستقل ایرانیان لایپزیک - آلمان 16- رادیو آوا ( بخش فارسی رادیو فلورا)- هانور ( آلمان) 17- فرهنگسرای اندیشه - گوتنبرگ 18- فرهنگسرای بامداد - مالمو 19- انجمن فرهنگی - اجتماعی دارکوب - مالمو 20- کمیته همبستگی استان اوره برو - سوئد 21- انجمن فرهنگی و اجتماعی همبستگی - استکهلم 22- نشر باران - استکهلم 23- کانون سیاسی و فرهنگی ایرانیان - سوئیس 24- هیئت سردبیری نشریه آوای زن - سوئد و نروژ 25- رادیو همصدا - اسلو ( نروژ ) 26- انجمن فرهنگی جامعه یارسان در خارج از کشور 27- کمیته پناهندگان سیاسی وان - ترکیه 28- کانون پناهندگان سیاسی سیدنی - استرالیا 29- سایت چه باید کرد - ایالات متحده آمریکا 30 - انجمن گلشن - ایالات متحده آمریکا 31- کانون دوستداران فرهنگ ایران - واشنگتن (ایالات متحده آمریکا) 32- کانون دمکراتیک ایرانیان - دالاس ( ایالات متحده آمریکا ) 33- انجمن فرهنگی هنری اکباتان - گوتنبرگ 34- هیئت سردبیری رادیو برابری 35- رادیو همراه - گوتنبرگ 36- انجمن فرهنگی میهن - گوتنبرگ 37- انجمن ایرانیان سوسیالیست لندن - انگلستان 38- کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران و زندانیان سیاسی ایران - فرانکفورت 39- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی - انگلستان 40- سازمان دانشجویان دمکرات ایران - امنو ( سوئد ) 41- سایت بولتن 42- آسپل کمیته گروه ایران - سوئد 43- کانون تلاش برای آزادی قلم و بیان و اندیشه - ایالات متحده آمریکا 44- جنبش همبستگی با دانشجویان ایران و دکتر ناصر زرا فشان - استکهلم 45 - اتحاد دمکراتیک ایرانیان ترقیخواه - سوئیس 46 - جمعیت ایرانی حقوق بشر در شمال کالیفرنیا - ایالات متحده آمریکا 47 - کمیته مبارزات بانعیض و نابرابری - اوره برو ( سوئد ) 48 - انجمن ایرانیان - اوره برو ( سوئد ) 49- کمیته دفاع از پناهجویان - اوره برو ( سوئد ) 50 - کمیته همبستگی با خلق ها در استان اوره برو ( سوئد ) 51- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی و حمایت از خانواده های وابسته 52 - رادیو سپهر - گوتنبرگ ( سوئد ) 53- ( تلاش ) کانون حمایت از مبارزات مردم ایران - کلن (آلمان) 54- کانون مبارزه برای دموکراسی در ایران ، سیدنی - استرالیا 55- کانون پناهندگان سیاسی ، سیدنی - استرالیا 56- مرکز فرهنگی ره آورد - آخن ( آلمان ) 57- فورم فرهنگ هنر ایرانیان 58 - سازمان دمکراتیک زنان برای دفاع از صلح وعدالت درآلمان 59- رادیو البرز- گوتنبرگ 60 - کانون اندیشه ، گفتگو و حقوق بشر- تورنتو ( کانادا) 61- سازمان دفاع از حقوق خلق ترکمن ( سوئد) 62- جمعی از پناهندگان سیاسی پرونده بسته در ترکیه 63 - جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن ( آلمان ) 64 - کمپین نجات جان سعید 65 - انجمن زنان در سوئد ( عصیان ) 66- سایت خبری و سیاسی جوان امروز 67 - ویلاگ ساحل شمال 68 - گروه هنری پارس آرتیست - گوتنبرگ (سوئد) 69 - زنان مترقی رادیو پارس 70 - سایت پیغام فراموشی 71 - بنیاد اسمعیل خوبی 72 - فورم فرهنگ و هنر ایران- آلمان 73- جنبش اشتی ملی 74 - انجمن فرهنگی - اجتماعی یارسان در خارج از کشور 75 - فعالین محیط زیست - سبزهای ایرانی 76 - فدراسیون کردهای ایران در هلند 77- سایت خبری - سیاسی مهاباد 78 - جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی در سوئیس 79- کمیته رفرا ندوم آزاد در هلند 80- سایت خبری فرهنگی و سیاسی گزارشگران 81 - انتشارات خاوران - پاریس 82 - فعالین سایت دکتر مصدق 83 - رادیو آزادگان 84 - انجمن فرهنگی اجتماعی پرسپولیس ( بلژیک ) 85 - کانون مبارزه برای دموکراسی در ایران - بلژیک 86 - انجمن دانشجویان ایرانی در ترکیه 87 - ویلاگ آزادی برای اکبر گنجی 88 - ویلاگ آزادی برای مجتبی سمدی نژاد 89 - رادیو البرز - دانمارک 90 - اتحاد برای دموکراسی در ایران - ایتالیا 91 - کمیته حقوق بشر اتحادیه سراسری ایرانیان - سوئد 92 - دفتر برون مرزی جبهه اتحاد ملی ایران 93 - اتحاد ملی برای استقرار دموکراسی و سازندگی ایران 94 - جنبش همبستگی برای آزادی و دموکراسی در ایران - نروژ 95 -- کمیته متحصنین و اعتصاب غذا کنندگان مرکب از : تجمع برای جمهوری ، آزا دی، عدالت اجتماعی - سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)- هانور سازمان زحمتکشان کردستان ایران ( کومه له) - هانور کارگاه ایرانیان و جمعی از کوشندگان آزادی خواه و چپ

## امضاء شخصیت ها و فعالین سیاسی ، اجتماعی داخل و خارج از کشور:

آذر شیبانی -- محمد شیبانی -- آرش کمانگیر -- آرش امجد -- آ زاده شکوهی -- امیر اصغری نیا \_ اصغر ایزدی -- منیر برادران -- ویدا هوشیار -- اسماعیل رزازی -- ایوب رحمانی -- مجید دلبران -- احمد پوری -- ایوب رحمانی -- ابراهیم آوخ -- اردشیر مهرداد د -- اردشیر نظری -- احمد نوین -- ارسلان کریمی -- آرزنگ بامشاد -- اردلان کریمی -- ایراندخت کوهل -- دکتر احمد علوی -- دکتر حسن عباسی -- دکتر یونس پارسا بناب -- اسفندیار منفرد زاده -- دکتر گلمراد مرادی -- دکتر مهدی یوسفی -- امید شاهرخی نسب -- بهروز فدایی -- ایرج حیدری -- امیر جواهری لنگرودی -- پرویز جواهری -- هادی جواهری لنگرودی -- احمد مزارعی -- احمد افسری -- اردشیر عظیمی -- احمد غلامیان -- حسن عزیز -- حسن حسام -- بیژن رستگار -- بهروز فراهانی -- بهروزرامیدی لاهیجانی -- بیژن سعید پور -- شهاب برهان -- سعید افشار ر -- سیا ووش ستوده -- علی ریاضی -- صادق نقشبندی -- سیامک جهانبخش -- رضا امید -- بهروز سورن -- روبن مارکاریان -- رضا بیگی -- رضا صبری \_ رضا سپیدرودی \_ رضا مرزبان \_ محمد رضا شالگونی -- سهراب شهابنگ -- مهدی دادستان -- نسرن احمدی -- محسن فرد -- احمد رنجبر -- رفعت لنگرودی -- نرگس کرمانشاهی -- مسعود پولادی -- پرویز آذر -- نجف روحی -- محمد دشتی -- جواد یگانه -- احمد سالمی -- امید صالحی \_ پروانه مقدم -- محسن احمدی -- ایران فرجی -- جواد اسکویی -- نرگس احمدی -- مهدی توسلی -- حسین قاضی -- پیام لطفی -- فریبا ثابت -- حسین شرابی -- علی پیچگاه -- ثریا چیت ساز -- علی اکبر شالگونی -- مزدک شالگونی -- شهره شالگونی -- آزاده شالگونی -- هوشنگ دیناروند دانیال -- علی دیناروند -- زویا قاشلاق -- مجید تمجیدی -- گلناز هدایت -- سعید حاجی زاده \_ حسن کیانوش -- کاوه رضوانی -- مهتاب توسلی -- حمید مهر آرا -- علی شمس -- جمشید روحی \_ عبدالله توسلی -- شادی توسلی -- الوند کرمانشاهی -- بیژن امینی -- فرخ قهرمانی -- فرامرز پویا -- فرامرز دادر -- رضا طالبی -- امین مولایی -- وحید اصغری حصارکی -- محمد هادی امینیان -- سیامک وطن آبادی -- فرهاد بهشتی -- دریا دل توانا -- سعید اوحدی -- محمد علی اوحدی -- عطا مرادی -- صمد نوید -- عباس مومن -- پروانه ریاحی -- لاله حسین پور -- شیرین مرادی -- خلیفه موسوی -- حمید موسوی پوراصل -- محمد حسینی -- خسرو مقدم -- علی فیاض -- کریم بهجت پور -- حشمت محسنی -- علی اعتدالی -- علی گلباغی -- فریبرز داوودی -- گلنار روحی -- سروژ قازاریان -- پتی بلوچ -- علی جالبوسوی -- مسعود صدیقی -- حسین نقی پور (روز نامه نگار) -- مرضیه مومن زاده -- نوید مومن زاده -- بدری صفوی -- اکبر اعراقی -- سارا آزا د -- پریسا امجدی -- اصغر جیلو -- شیرین مرادی -- یاور اعتماد -- شعله ایرانی -- ناصر اخوان -- فروغ اسد پور -- محمود آزاد -- جواد کمالی پور -- بهرنگ ریاحی -- نقی ریاحی -- نقی ریاحی -- نیکولا ریاحی -- پروین شکوهی -- تقی روزبه -- پدram قهرمانی \_ جواد نجابت \_ جواد عرفانیان -- رضا نجابت -- حسین جواد زاده -- دکتر پیران آزاد -- مسعود کرمانشاهی -- نوشین شاهرخی -- حمید پور قاسمی -- علی دماوندی -- حجت کسریاییان -- خسرو آهنگر -- هدایت سلطانی پور -- حبیب ریاحی -- پروین ریاحی -- محسن کیا -- منوچهررادین -- جلیل زنجانی -- مهران اعظمی -- ناهید ناظمی -- ناصر روشن ضمیر -- محمد خیری -- رضا خیری -- عبدالقادر بلوچ -- مهدی کیا -- مجتبی نظری -- مسعود نظری -- کوکب نظری -- فرامرزپورنوروز -- رضا چیت ساز -- رضا جعفری -- غلام آل بویه -- سید حسین تهامی -- ویدا صالحی -- پروانه ناجی -- دکتر جواد جواد -- نسرن آزاد -- سارا محمود -- سعید پورمند -- مهشید راستی -- علی فکری -- اردلان کریمی -- مریم البرزی -- علی عابدینی -- حسین عابدینی -- محمود حشمت -- یوسف ایخون -- جواد نوید -- محمود معمار آزاد (بهرنگ) -- صدیقه یوسفی -- داریوش آرام -- داریوش ارجمندی -- مجید مظفری -- حسین مظفری -- محمد آزادگر -- شیوا بهار -- حسن جعفری -- حمیلا نیسکیلی -- شکوفه ابراهیم زاده -- علی

میر حسینی -- رضا صداقت -- فرشاد بیگی -- کریم خوش عقیده -- حسین سعدی -- حسین توسلی -- نصیر گیلانی -- مرتضی بوداغی -- رضا توانگر -- محمد رضا باقری -- جواد یغمانیان -- مهدی صفا پور -- ابراهیم نجفی -- مینا پویا -- پروین ابراهیمی -- علی عبدی -- محمد مهر پور -- منصور افشاری -- دکتر رضا رازی -- اصغر نصرتی -- موسی دانشفر -- جواد دادستان -- احمد نیک بین -- رضا صفا وردی -- منوچهر غفاری -- عبدالله محمودی -- پوران اصغری -- مصطفی پور سنگری -- فرزانه لیلی آبادی -- دکتر شکورفلاح (استاد سابق دانشگاه جندی شاهره پوراهواز) -- حسین رودباری -- نادر صمد پور -- بهروز اسدی -- رسول جوادیان -- ن . نوری زاده -- رضا علامه زاده -- توفان آرام -- علی عاشوری -- فرید مزدک -- علی افشاری نیکو -- علی یوسفی -- مجید مافی -- سید حسین میر کریمی -- امید حبیبی نیا -- مهدی کیا -- ناصر جوهری -- بیژن فتحی -- محمد حسینی -- پرچهر حسینی -- علی حسینی -- سامان حسینی -- مرتضی کاویان -- مهدی رضوی -- زری عرفانی -- هادی ایکناری -- پیروز براتی ( تهران ) آرش مهدوی -- سینا حافظی -- آرشید مطیع قوانین -- حسین هراتی نزهت -- سیاووش کوهرنگ -- فرود سیاووش پور -- پدram -- فریدون گیلانی -- لاله بشر دوست -- سینا صفا بخش -- وهاب انصاری -- رضوان جمالی -- بهمن خاکسار -- اقبال قلعه گلابی -- رحیم راشدی -- رضا بهمن پور -- مینا رحیم زاده -- گلای افشار -- اکرم موسوی علی آبادی -- عاطفه جعفری -- رضا شمالی -- احمد توماج -- خسرو عبدالمهدی -- رضا هاشمی -- ضیاء هاشمی نژاد -- حسین جوادی -- آرش شاه تیموری -- رضا علوی -- محمد خرم -- حمید نوبری -- ناصر زمانی -- سیامک زمانی -- عباس زمانی -- اکبر زمانی -- پیروز زورچنگ -- محمود دشتی -- علیرضا پدالمی ( فعال دانشجویی ) -- امیر فرشاد ابراهیمی -- فریدون رهنما -- ر . نصیری -- علی صمد -- جعفر حسین زاده -- مسعود همتی -- کبری قاسمی -- داریوش مرادی -- محمود صالحی -- ناهید نصرت -- نکیسا باقریان -- محسن توفیقیان -- محمد تجلی جو -- آذر نوش همتی -- بهروز رضایی -- حسین کمالی -- جمال حسن زاده -- شاهره سالماکار -- جمال محمدی -- حسین هراتی نژاد -- سعید سالک -- سهرابی ( تهران ) -- رسول عباسی -- سیامک فرید -- علیرضا ایران نژاد -- بیژن اعتدالی -- نسرن داور پناه -- خسرو شیمرانی -- احمد نجانی -- سهیلا نجانی -- آینده آزاد -- رضا افشار پور -- حسرت افشار پور -- بابک جعفری -- نغمه دهقان پور -- بهرام کسمانی -- رضا افرازی -- جاوید اسدیان -- رامین مولائی -- آوا محجوبی -- علی کریمی -- رضا محسنی پور -- نجات مهدوی -- شیوا بوداغ زاده -- محمود بهمنی -- علی راجی -- محسن نجات -- فرشید سارمی -- مهین زنوسی -- آزاده آشنا -- حمید آشنا -- داریوش دستوری -- مینو عابدی -- حسام وثوقی -- کمال صالحی -- پروین صدیقی -- فرزاد جاسمی -- مقصود کاسبی -- ملیحه فرهنگ -- بهمن فرهادی -- شاهرخی -- مهناز بیگ انور میرستاری -- سعید بصارتی -- سیروس کسریانیان -- علی رنجبر -- کاوه شیر زاده -- مسعود صفاری -- فرهنگ اعتمادی -- الهام اعتمادی -- حسن قیصری -- بهروز جاوید تهرانی -- کوروش روزماریان -- احمد اسکندری -- فریده خردمند -- نیلوفر بیضایی -- حسین عبقری -- شهلا عبقری -- علی دوانی -- داریوش دبیران -- محسن نژاد -- خلیل عزلی -- کیخسرو پرویز -- کامبیز دلپچان -- منوچهر شفقانی -- حمید بابا -- بیژن مهر -- عنیات پاک نیا -- مصطفی صنعت نما -- معصومه صفری -- مسعود حمیدی -- محمد حسینی جوادی -- حمید بهرامی -- حسین انور حقیقی -- اکبرزگر -- رضا خردمندی -- حسن درویش پور -- رکسانا دستان -- هوشنگ اسدی -- سعید اشکان فعال حقوق بشر -- بهزاد سپندتا -- حمید نودری -- هوشنگ گل آبادی شاعر و نویسنده -- محمود نرا فی -- رویا نرا فی -- مقصود پاریس -- دکتر حسین معمار زاده -- ندامقدس ( دانشجو ) -- بهزاد آشوری -- شهاب شکوهی -- اسحاق رهبر -- تراب مهرابی گیلانی -- شاهین صادقی -- دکتر حسن ماسا لی -- ساسان صمیم کرد -- مونا زکی خانی ( آموزگار ) -- خالد فلاحیان -- وحید شعبانی -- مهدی خرازی -- مریم زکی خانی ( خانه دار ) -- بابک نافذ -- دکتر حسین باقر زاده -- عباس شیرازی -- فرشید ابراهیمی -- آ زاده ایرانی -- بهمن رضی -- احمد رضا کامری -- پیام شیرازی -- ویکتوریا آزا د -- هومان مینائی -- ایران ایلدا -- ناصر صالحی -- زهره جعفری -- اکبر جعفری -- مزدک کاسپین ( تهران ) -- عاطفه فیروزی -- ایرج اوجی ( کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ) -- شاهین صادقی -- ساسان صمیم کرد -- مونا زکی خانی ( آموزگار ) -- خالد فلاحیان -- وحید

مرادیان - مسعود فتحی - توفان آرام - سید حسین میر کریمی --  
 علی افشاری نیکو - سینا حافظی - مهدی رضوی - داریوش مرادی  
 - آرش مهدوی - قدرت قلی زاده - رضا نجابت - دکتر رضا عفری -  
 حسن نادری - دلیر ایرانی - سعید بهمنی - حسن بزدی - بهزاد  
 امیری - فرزاد امیری - افشین ایرانی فر - اکبر سیف - مهناز نامدار  
 - بهرام بیگدلی - سهیلا کازرونی - جمیله نادبی - کیوان خرسندی  
 - حسین صمدی - امیر سهرابی - آرا محجوبی - حمید آشنا -  
 پروین صدیق - مسعود صدیقی - حسام وثوقی - ملیحه فرهنگ -  
 احمد بشیری - توماج کمالی - جلیل جاویدی - حسن رحبی - خلیفه  
 موسوی - شیرین مرادی - ایران پرورش - حمید قاسمی - شهلا  
 مسافر - غلام بابانی - احمد بابایی - حسن تمجدی - حسن آگاه  
 - ابراهیم رسولی - فریبرز کریمی - مهین تقوایی - کاووس قیادی -  
 کاظم تحویل زاده - کریم احمدی - فرهاد شکوهی - رضا منصور -  
 ناهید کاظمی - نسترن مختاری - مهرنوش قاضی - خلیل پاک نژاد -  
 اکبر انصاری - بهروز عظیمی - ماریا عظیمی - احسان حق پرست -  
 حسن کارگر - سولماز محمدی - اکرم قوامی - بهجت قوامی - میترا  
 نبی زاده - بابک مهرگان - احمد صایقین - نادر سبقتی - خسرو  
 قادری - بهرام توکلی - فریدون رهنما - یاد ستار کیایی - علی  
 قادری نیا - مهین جزینی - رحیم راشدی - بهمن صادقی - سعید  
 شجاعی - حسین غبرایی لنگرودی - کرامت رحمانیان - ابراهیم  
 رحمانیان - عباس عاقلی زاده - مهر انگیز حکیمی - ابراهیم دینخواه  
 - هما مرادی مهر - علی سحر خیز - نفی سحر خیز - مهین  
 اسفندیاری - محمد نصیریان - محمد برلیان - گلی افشار - هاشم  
 مازندرانی - وهاب انصاری - عاطفه جعفری - پیوند جعفری - سعید  
 کرمانشاه - ایرج جعفری - محمد حسن داد بار - حسن راد - علی  
 افضلی - فرامرز محسنی - ناهید گلبندی - رسول جوادی - کمال  
 آبادانی - اقدس جمالی - پری احمدی - سیاوش بدخش - اصغر  
 داوری - اردشیر عظیمی - توفیق عظیمی - فروغ اسد پور - محمود  
 آزاد - بیژن جوادیان فرد - حسن فرجود - احمد غلامی - بهزاد  
 قربانی - یوسف زبیری - رضا کمال نیا - همایون خراسانی - نادر  
 صمد پور - یاسمین قدسی - آرزو فرهادیان - عبدالله محمودی -  
 منوچهر قفاری - فرهاد بهشتی - آرتور میکایل - منوچهر شهابی -  
 مصطفی شکری - رکسانا دستان - علی اصغر رستمی بر جردی -  
 ح . حمزبان - بهروز حاتم لو - رضا برومند - دکتر ضیاء صدر...  
 امضاء ها ادامه دارد.

\*\*\*\*\*

### آزادخواهان مبارز :

فریاد اعتراض خود را در دفاع از داد خواهی زندانیان سیاسی و آزادی  
 تمامی زندانیان رجایی شهر، فردیس کرج و اوین و توجه به خواست  
 آنان ، درهرکجای جهان که هستیم ، یکصدا تهدیدات جاری به فعالین  
 سیاسی را محکوم نماییم .  
 ما تاکنون با همبستگی خود توانسته ایم ، بسیاری از احکام  
 ستمگرانه و ضد انسانی قوه قضاییه رژیم اسلامی را متوقف کنیم ،  
 این بار هم می توانیم !!

**شما می توانید با ما ، از طریق آدرس زیر تماس  
 بگیرید:**  
**Kanon\_anjoman@yahoo.com**



شعبانی - مریم زکی خانی ( خانه دار ) - بابک ناقد - بهمن رضی -  
 احمد رضا کامری - پیام شیرازی - علیرضا یوسفی - ناصر صالحی -  
 زهره جعفری - اکبر جعفری - دامون گلریز ( دانشجو ) - مزدک کاسپین  
 ( تهران ) - عاطفه فیروزی - ایرج اوچی - عباس خرسند نیا - یوسف  
 مجاب - دکتر زهرا عرفانی - محمد مهدی کیانجو - عباس مظاهری --  
 کارین مونی - بهروزسرفراز - فرید سعادت - علی رحمانی - سروش  
 زاری - نیلوفر لنگرودی -- جمشید بامری -- استیفاان -- هادی  
 آبکناری -- عباس سماکار -- فرزاد جاسمی -- دکتر سعید عباسیان  
 -- علیرضا قنبری - فرج آل پاری - خسرو باقر پور - کامران گیاه چی -  
 حمید علیرزاده بهبهانی - دکتر محمود تهرانی - عبدالرضا سا لک -  
 رضا مولایی - فخر ا لسادات علمی - ا فسانه علمی \_ ناز گل  
 فراهانی صدر - اکبر فراهانی صدر - آیدا فراهانی صیدر - احمد زاهدی  
 لنگرودی - خسرو رحیمی - شهرام همایون - شهاب گل آلان -- آرش  
 همیار - سارا همیار - حسین شریفی - خدایار ا فخم ( وکیل  
 دادگستری ) - شانو امینی \_ بابک زمانی - امیرابری - محمد شیخ  
 زاده - علیرضا محمودی - سیما آزاد - رضا منیری - لطفی زاده -  
 محمد ابراهیمی - ژیلنا گویا - سعید حریر فروش - داریوش لیموچی -  
 طنازبابازاده - مصطفی شکری - صمصام کشفی - رضا افروزی - کاوه  
 شفیعی - مرتضی پاکی - رضا مهاجرنژاد - سیامک موید زاده - اکبر  
 شقایق - دکتر بیژن کریمی - فرهاد عرفانی ، مزدک ( نویسنده ) -  
 س ، رضا پور - فرزاد یوسف زاد - دانیال آذری - فرهنگ رومی - بهمن  
 آرمتی - منیژه هباشی - محمد جلال طالبی - مریم مولوی -  
 شهرام تهرانی - بابک دزکانی - شهلا حمید زاده - متین قاسمی (   
 روزنگار ) -- سعید فرزانه - خسرو شه میرانی - نیاز سالمی - صابر  
 احمدیان - ناصر مستشار - جهانگیر نیری - به یاد سعید سلطانیور -  
 رضا ربیسی دانا - محمد حدادی - مرتضی عبدالله یان - اکبر معین -  
 یحیی زاده امین - کوروش گلنام - آریا سرمدی - شیوا سروری -  
 پیمان سلحشور ( پیمان پارتیزان ) - محسن مبینی - منیر جوان -  
 شیوا کاتوزیان - امرالله ابراهیمی - شراره کاتوزیان - شهرزاد کاتوزیان -  
 امیرجوان - سن عرب زاده بحری - عارف دادگر - سحر دادگر - شنیم  
 سلامی - دانش باقرپور - امید پیوند - محمود سهرابی - پیروز زود  
 جنگ - آرمین فروزش - کیانوش توکلی - شهناز مقدم - مسعود والا -  
 فاطمه قربانی - حسین هراتی نژاد - مرتضی رضانی - مهدی  
 دادستان - رضا راد - سهراب رسام - علی شیر مبارکی - سیامک  
 مبارکی - بهنام سیف لاری - علیرضا طیبی - آزاده منصور - مهدی  
 داوطلب - مجید توکلی - علی اکبر عباس پور - دکتر محمد پروین -  
 سعید صناعی زاده ( پناهنده و فعال سیاسی ) - پروین کوه گیلانی  
 - خانی عفری - نریمان صالح ( روز نامه نگار ) قضا حمیدیان - احمد  
 عبداللهی - شراره سلمان - احمد توماج - رضا شافعی - رضا  
 محمدی - هما رجاییان - حشمت الله طبرزدی - دکتر سمیه بیانت -  
 محمود شیروانی - افشین خیری - شایان آزاد - نصرالله قاضی - وحید  
 صمدی - شمس فرزا د فر - علی اشرفی - شاهین انزلی -  
 اسدالله علیمحمدی - منوچهر راستی - محمود رازی - دگمگار رازی -  
 ایراندخت رازی - دانیس رازی - رویک غریبان - سیما گالاجیان -  
 حیدر جهانگیری - مزدک لیما کشی - امیر ملاماسی - فریدون احمدی  
 - سیروس دانش ( وبلاگ نویس ) امیرگیلانی - شعله کازرونی (   
 فعال سیاسی ) - سیاوش خوزستانی - باقر ابراهیم زاده - علی  
 شمس - مریم البیزی - عبدالقادر بلوچ - جعفر غفور پور - حسن  
 کیانوش لاهیجی - احمد فرهادی - رضا آبادی - حسین یحیایی -  
 معصومه فرهادی - ناهید فرهادی - نسرتن -  
 فرهادی - فرشید نیک زاد - میترا محمودی - ابراهیم دلخون - بهزاد  
 نخلستانی - احمد سکویی - محسن خوش بین - سرگی آراکلیلی -  
 ستار کاشانی ( تهران ) - نگار فکری - سعید دلیر - علی اصغر  
 رستمی بروجردی - کامبیز دلجوان ( تبریز ) - حسین آبکناری - شهلا  
 آبکناری - داریوش دبیران - حسین افصیحی - ابراهیم دین خواه -  
 سیاوش محمودی - محمود کامی - سهیلا میرزایی - آرش پارسا -  
 فخری علمداری - افشین مولایی - رضا مولایی - جواد الماسی -  
 معصومه صفری --- شیوا مرادی - محمد حسین جاویدی - آرش  
 پارسا - مصطفی صنعت نما - محسن رنجبران - جعفر کمالیان - احمد  
 بابایی - شاهرخ مشکین -- جواد محمودیان - جعفر نیا پور - پوران  
 حسینی - شفا راستین - محمود امید - شاهپور رودسری -  
 جمال محمودیان - سامان بقایی - جمال جعفری -- کریمعلی  
 شاهرخی - علی معین پور - سودابه اسد پور - فروغ محمودی -  
 حسین آفتاب کار - علیرضا نورانی - ساسان جمالی -- شاهپور

## = اعتصاب یک هزار کارگر =

**کارگران معترض مس " باهنر " کرمان خواستار پاسخگویی مدیر عامل شدند**

## عملیات انفجاری و تروریسم کورد راهواز و تهران را قویا محکوم می کنیم!

**زنان و مردان آزادبخواه ایران :**

عملیات انفجاری و بمب گذاریهای ابهام برانگیزی که از امروز صبح یکشنبه 22 خرداد 1384 در چندین نقطه شهر اهواز و بعد از ظهر در خیابان ها و میدانی کلان شهر تهران نظیر : ( خیابان دماوند - خیابان 17 شهریور تهران - خانی آباد تهران - امام خمینی و میدان ولیعصر بالاتر از خیابان طالقانی ) رخ داد. نگرانی شما و ما را برانگیخته است. این عملیات تروریستی ، نشان از بی ثباتی آنانی دارد که از روند مبارزات شما دلنگرانند و درصدد این می باشند تا جامعه را از امکان خیررسانی موثر نسبت به جسارت رودرویی های شما با کلیت رژیم بی اطلاع نگه دارند و آنرا تحت الشعاع این خرابکاری ها قرار دهند!

از نظر ما امروز مبارزات توده میلیونی زنان ، جوانان و دانشجویان ، کارگران و رنجبران کشور ، بیش از هر زمانی ، به شیوه مبارزه آگاهانه و روش های دوازدهمونیست نیاز وافر دارد . در این میان تنها آنانی از خشونت و به التهاب کشاندن جامعه سود می جویند ، که موقعیت خود را در خطر دیده و برای انحراف افکار عمومی جامعه از روند واقعی مبارزات ، برای حدت بخشیدن به سرکوب و اعمال خشونت گسترده به کانون های اصلی اعتراضات و اعتصابات ، همچون گذشته به این سلسله خرابکاریها نیازمندند!!

برما پوشیده نیست که این اقدامات کور -- از جانب هر کسی که صورت گرفته باشد -- با منافع کل رژیم و یکدست نمودن آن در سرکوبگری مبارزات تان همراه است و همین حکومتگران را و می دارد با بحرانی جلوه دادن اوضاع سیاسی امروز کشور یا با افریدن کانونهای ناامن در جامعه ، عرصه را بر فعالیت های سیاسی و خیابان آمدن ها ببندند تا جو خفقان ، ارباب و سرکوب را بیش از پیش بر مردم ایران تحمیل کنند . در چنین شرایطی که جامعه ، خود را آماده تحریم فعال انتخابات می سازد ، حکومتگران مصرند در قبال بی ثباتی اوضاع و هراس مردم نسبت به شرایط موجود ، وحدت کاذبی را تبلیغ کرده و احساسات عمومی را برانگیزانند و در نوع خود ، همگان را برای حضور پرشکوه تر ، به پای صندوق رای خود فراخوانند .

سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر ، ضمن پشتیبانی از بی خیابان آمدن جسارت آمیز زنان و دختران جوان ، فعالین تشکلهای مستقل زنان و " ان ، جی ، او " ها در روزیکشنبه 22 خرداد در مقابل دانشگاه تهران ، اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و تجمع خانواده های آنان در برابر زندان اوین ، تجمعات خیابانی معلمان و کارگران در میدان حسن آباد و پشتیبانی از فراخوان کانون نویسندگان ایران ، جهت تجمع و گرد همایی اعتراضی با تحصن کننده گان از ساعت 4 تا 6 بعد از ظهر روز سه شنبه 24 خرداد 1384 در برابر درب بزرگ زندان اوین و غیره ، این سری عملیات کور و پرشتاب و دلهره آمیز را ، صرف نظر از هنریتی که کننده گان آن داشته باشند و از جانب هر گروه خودسر ، وامانده و قدرت طلبی و با هر هدف و قصدی که انجام گرفته باشد ، قویا محکوم می نماید و خود را در نگرانیهای همه مبارزین سهیم می شمارد . ما بر آنیم که همه مخالفین کلیت نظام ، تنها با حضور خویش در صحنه رودرویی ها می توانند ، حکومت را بر حکومتگران ناممکن سازند!

**کمیته مرکزی سازمان انقلابی کارگران ایران - راه کارگر**

22 خرداد 1384 برابر 12 جون 2005

ایلنا: يك هزار نفر از کارگران معدن مس باهنر کرمان (شيفت صبح و عصر) ، روز شنبه 28 خرداد در اعتراض به عملکرد سیستم مدیریتی کارخانه و ضایع شدن حق و حقوقشان ، تصمیم به اعتصاب غذا در سه روز متوالی گرفته اند که در صورت برطرف نشدن مشکلات ، دست به اعتصاب کاری نیز خواهند زد .

به گزارش ایلنا ، این کارگران در گفتگو با خبرنگاران ، اعلام کردند : طی سه سال گذشته ، با وجود درج مقاله هایی در خصوص وضعیت مدیریت و مشکلات مجتمع مس "شهباباهنر کرمان" ، در نشریات و نیز تاکید حجت الاسلام "جعفری" امام جمعه کرمان و نماینده ولی فقیه بر رفع مشکلات کارکنان این مجتمع از طرف مسوولان استانی و کشوری ، مناسبانه همچنان این مشکلات پابرجا مانده و هیچ گونه تغییری در روند مدیریتی این کارخانه صورت نگرفته است .

این کارگران ، ضعف مدیریت را بزرگترین مشکل کارخانه عنوان کرده و گفتند : با وجودی که انجام کارهای سخت و طاقت فرسای این کارخانه ، بر دوش کارگران بوده و تولید کارخانه نسبت به سالهای گذشته افزایش یافته است ، اما متاسفانه نحوه پرداخت بهره وری عادلانه نبوده و مدیریت کارخانه در سال گذشته به عناوین مختلف ، اضافه کاری کارگران را کم و در عوض به تعدادی از کارشناسان و فورمن ها (سرپرست واحدها) اضافه کار پرداخت می نماید، به صورتی که از اوایل اسفندماه سال هشتاد و سه و در روزهای عادی ، کارشناسان به نوبت در شیفت کاری ، اضافه کار و حق شیفت دریافت می کنند و در مقابل ، کارگران از حق بهره وری خود محرومند .

کارگران ادامه دادند : ریاست این کارخانه ، هر سه ماه یکبار مبلغی بالغ بر چهارصد تا چهارصد و پنجاه هزار تومان را جدا از فیش حقوقی به عنوان کارانه به کارشناسان و مهندسين پرداخت می کند و افزون بر آن نیز ماهیانه بیست هزار تومان پول لباس به آنان می پردزد ، این در حالی است که کارگران حق ندارند حتی کفش کهنه کار خود را از کارخانه بیرون ببرند .

کارگران می گویند: در حال حاضر کانتینری که از آن به عنوان سالن غذاخوری استفاده می شود مملو از حشرات و موربانه هاست که این امر باعث شده تا وضعیت سلامت و بهداشت کارگران به خطر بیفتد و این به گونه ای است که حتی پزشك کارخانه نیز با تایید این امر و اعتراض به مدیریت در خصوص رعایت نکردن استانداردهای بهداشتی ، از کار برکنار و قرارداد وی تمدید نگردیده است .

این کارگران که از وضعیت رفاهی خود ناراضی بودند ، اعلام کردند : تنها با اضافه کاری است که می توانیم خرج خانواده خود را تامین نمایم ، تازه اگر آن هم پرداخت شود .

این کارگران گفتند : زمانی هم که لب به اعتراض می گشاییم ، پاسخ آنان این است که باید کاری کنیم تا سطح توقعات کارگران پایین بیاید . سرکارگر یکی از قسمت های این کارخانه می گفت : حقیقت این است که سوءاستفاده مالی در این شرکت صورت گرفته که جبران آن ، ضرر و زیان مالی بسیاری را به دنبال خواهد داشت .

وی با اشاره به این که قانون های انسانی این شرکت را با قانون های جنگل اشتباه گرفته اند ، گفت : در این شرکت هیچ گونه قانون انسانی رعایت نمی شود و تنها قانون جنگل بر آن حکم فرماست ، زیرا مدیریت و کسانی که وابسته به شخص ایشان هستند ، خودسرانه هر کاری را که دلخواه خودشان باشد انجام داده و تنها کارگران هستند که به عنوان زیردستان ، توبیخ و یا از حقوق و مزایای قانونی خود بی بهره می شوند . لازم به ذکر است که در پی تماس های مکرر خبرنگاران با مدیریت کارخانه مس شهید باهنر در خصوص پاسخگویی به مشکلات موجود ، این مدیریت از پذیرش خبرنگاران امتناع کرد ماموران بازرسی خود را به درب کارخانه هدایت تا از صحبت کردن کارگران با خبرنگاران جلوگیری نمایند . همچنین پیش از ظهر امروز ، مدیر این کارخانه با حضور در جمع کارگران معترض ، آنان را به آرامش دعوت کرده و خواستار مذاکره جهت پایان دادن به این اعتصاب شد که کارگران ضمن رد این درخواست ، خواهان حضور مدیرعامل شرکت جهت پاسخگویی شدند .

# اخبار فعالیتها و آکسیونها

اسلامی تظاهراتی در مرکز شلوغ شهر از ساعت 16 تا 18 برگزار شد .

## لندن

روز جمعه همزمان با انتخابات فرمایشی رژیم ، سه تظاهرات از سوی اپوزیسیون سازماندهی شد . یکی در برابر سفارت جمهوری اسلامی ، یکی در برابر کنسولگری و یکی در برابر مرکز اسلامی . رفقای سازمان ما به همراه جمعی دیگر از ایرانیان چپ و دمکرات در آکسیون برابر کنسولگری رژیم حضور داشتند که در آن بیش از 300 نفر شرکت ورزیدند .

## ژنو

**گزارشی از برگزاری تظاهرات : اعتراض به مذاکرات سازمان جهانی کار ( ILO ) و نهادهای ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی**



روز 14 ژوئن برابر 24 خرداد 1384 به دعوت ( ائتلاف بین المللی حمایت از کارگران ایران) تظاهراتی در مخالفت با مذاکرات سازمان جهانی کار با نمایندگان خودخوانده رژیم جمهوری اسلامی ( خانه کارگر ، شوراهای اسلامی کار و وزارت کار ) که به همراه گروهی از نمایندگان کارفرمایان و تشکل های آنان در نودو سومین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار ( ILO ) شرکت کرده اند ، برگزار گردید . افزون بر 150 نفر از کشور های مختلف از ساعت 10/30 صبح تا ساعت 16/00 بعد از ظهر در شهر ژنو در سوئیس در مقابل مقر سازمان جهانی کار در این حرکت اعتراضی شرکت داشتند . 6 تظاهر کنندگان اعلام داشتند که حسن صادقی و پرویز احمدی پنجگی از سرکردگان خانه کارگرو شوراهای اسلامی کار به عنوان اعضای طرف ایرانی شرکت کننده در این اجلاس ، در تاریخ 1384/02/19 در حمله به سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران مستقیماً نقش داشته و این تعرض را هدایت کرده اند . همچنین فعالان این سندیکا را مورد ضرب و شتم شدید قرار داده و اموال سندیکا را سرقت ، تخریب و غارت نموده اند . تظاهر کنندگان خواستار اخراج نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی و عدم شناسایی این ارگان های رژیم از

## ونکوور :

ظرف یک هفته اخیر ، چهار حرکت اعتراضی در این سومین شهر بزرگ کانادا صورت گرفت . در روز یکشنبه 12 ژوئن به دعوت " جمعی از زنان ایرانی مقیم ونکوور " آکسیونی در مرکز شهر برگزار شد که هدف از آن حمایت از مطالبات جنبش زنان ایران و حرکت جسورانه آنها در جلوی دانشگاه تهران بود . در روز پنجشنبه 16 ژوئن به دعوت " کمیته تحریم انتخابات جمهوری اسلامی در ونکوور " ( متشکل از جمعی از فعالین سوسیالیست و مترقی ) تظاهراتی در مرکز شهر بر علیه نمایش انتخاباتی رژیم برگزار گردید . لازم به تذکر است که امسال بر خلاف دفعات گذشته ، رژیم هیچ صندوقی در ونکوور برپا نکرده بود . در روز شنبه 18 ژوئن از ساعت 11 صبح تا 6 عصر ، تحصنی به حمایت از زندانیان سیاسی ایران در برابر آرت گالری به همراه یک اعتصاب غذای 24 ساعته سمبلیک که از روز قبل آغاز شده بود سازمان داده شد . عصر همان روز به دعوت اعضای کانون نویسندگان ایران در تبعید و برخی رسانه های ایرانی شهر از جمله رادیو صدای زن ، مراسمی در یکی از سالنهای ونکوور شمالی برگزار شد که در آن فریده خردمند ، هادی ابراهیمی ، عبدالقادر بلوچ ، مجید میرزایی و صفار ساعد به سخنرانی یا شعر خوانی پرداختند و فیلم " گلزار خاوران " به نمایش در آمد . در این مراسم که در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران برگزار شده بود ، پیام سازمان کاتادایی " واست " ( دفاع از قربانیان شکنجه ) قرانت شد که خطاب به متحصنین جلوی زندان اوین صادر شده بود .

## پاریس

در روز شنبه 18 ژوئن از ساعت 18 تا 21 در صحن تروکادرو ( میدان حقوق بشر ) پاریس ، انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران- پاریس ، از همه دوستان آزادی دعوت کرد که برای حمایت از مبارزات جاری مردم ایران ، در حمایت از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و عقیدتی ، در هم بستگی با متحصنین در مقابل زندان اوین و برای خواست آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران ، دست به تظاهرات بزنند . این مورد استقبال جمعی از ایرانیان چپ و دمکرات قرار گرفت .

## برمن ( آلمان )

در روز جمعه 17 ژوئن 2005 از طرف گروه زنان ایران ( شهر برمن ) و سازمان زنان 8 مارس و جمعی از فعالین چپ به حمایت و همبستگی با همه زندانیان سیاسی و حمایت از ناصر زرافشان و متحصنین جلوی زندان اوین و در تحریم انتخابات و افشای قوانین ضد دمکراتیک و ضد زن جمهوری

## هاتور (آلمان)

در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران، جمعی از ایرانیان چپ و دمکرات این شهر - از جمله رفقای سازمان ما - با اجتماع در کارگاه هنر و اندیشه، بمدت سه روز دست به اعتصاب غذا زدند. کمیته مرکزی سازمان ما با ارسال پیامی به این دوستان، همبستگی خود را با آنها اعلام داشت.



## درسوگ مادر رفیق پرویز

مطلع شدیم که مادر رفیق عزیزمان پرویز، در اثر بیماری در ایران درگذشته است. مادر پرویز، زن زحمتکش و فداکاری بود که رنج ایام زندان رفیق مان پرویز رادر زندان های ستم شاهی و آواره گی و تبعیدناگزیر، فرزند خود پرویز را در دوران رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی هم تامل کرده و بجان خریده و چشم براه او بوده است.

مادر پرویز بمانند یکی از هزاران مادرمانده گاری در ذهن مان خواهد ماند که هیچگاه در افساء دوزخ شاه و شیخ، مهر خاموشی بر لب خود نداشت.

همه رفقای راه کارگر، مرگ این مادر شریف را از صمیم قلب به رفیق پرویز و همسرش و اعضاء محترم خانواده و بستگان آن عزیز در ایران تسلیت گفته و خود را در غم ایشان شریک می دانیم.

با اندوه فراوان:

**سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر**

چهارشنبه ۲۵ خرداد، ۱۵ ژوئن ۲۰۰۵

## کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی

تاریخ 1384/3/26

### تهدید زندانیان اعتصابی به مرگ در زندان رجایی شهر کرج

چهارشنبه یکی از زندانیانهای زندان رجایی شهر به نام سید صالح، معروف به سید سادات، زندانیان سیاسی اعتصابی را تهدید به مرگ کرد. این زندانیان یکی از پاسداران شیفت چهارشنبه میباشند که زندانیان سیاسی را " حیوان " خطاب کرده و گفت که شما 9 نفر را با یک تیر به مغزتان خواهم کشت. زندانیان سیاسی در اعتراض به این مسئله نامه ای را خطاب به حفاظت اطلاعات زندان رجایی شهر نوشته و متذکر شده اند که با در نظر گرفتن حمله ی هفته ی قبل به اتاق زندانیان اعتصابی و تهدید جان ایشان توسط سید صالح، در میان قاتلان بند 1 دارای امنیت بیشتری بودند.

سوی سازمان جهانی کار و انحلال و بر چیده شدن بساط این نهاد های دولتی و ضد کارگری شدند. تظاهر کنندگان خواهان تحریم انتخابات از سوی کارگران و مردم ایران بودند.

در ساعت 14 از سوی تظاهر کنندگان هیاتی به همراه آقای یدالله خسرو شاهی یکی از فعالین کارگری و از نفتگران سابق برای بیان اعتراض و ارائه مدارک تعرض و تهاجم رژیم جمهوری اسلامی و سیاست های ضد کارگری آن در مقر سازمان جهانی کار به گفتگو و تبادل نظر پرداخت. پس از خاتمه گفتگوهای هیات نمایندگی تظاهر کنندگان با سازمان جهانی کار، گزارش نتیجه مذاکرات توسط هیئت به تظاهر کنندگان ارائه گردید.

تظاهرات در ساعت 16 با استماع گزارش هیئت با خواندن سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد.

برگزاری تظاهرات اعتراض به ( ILO ) و در حمایت از کارگران ایران با استقبال خوبی روبرو گردید. در طول برگزاری تظاهرات اعلامیه های سازمان ها ی سیاسی و کارگری و تشکل های پناهنجونی برای جمع تظاهر کننده خوانده شد.

تظاهر کننده ها از کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری و کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری، هیئت موسس احیای سندیکا کارگران شرکت واحد، هیئت موسسین سندیکای کارگری حمایت کردند.

تظاهرات قطنامه ای را مصوب نکرد.

تظاهر کنندگان در حمایت از کارگران ایران پلاکارد ها، تراکت هاو شعار ها و خواست های ذیل را اعلام داشتند.

کارگران کارگران اتحاد اتحاد، علیه سرمایه دار.

کارگران، زحمتکشان اتحاد اتحاد.

کارگر، دانشجو، معلم، پرستار، اتحاد اتحاد.

قانون کار ارتجاعی ملغا باید گردد.

آزادی تشکل حق ماست.

تحریم انتخابات، اجرا باید گردد.

قرارداد موقت، ملغا باید گردد.

اعتصاب، اعتصاب حق ماست.

تشکل مستقل بدست کارگر ایجاد باید گردد.

خانه کارگر، شورای اسلامی کار منحل باید گردد.

صادق و پنجگی محاکمه باید گردند.

خانه کارگر، شورای اسلامی کار از ( ILO ) اخراج باید

گردد.

انتخابات تحریم باید گردد.

جمهوری اسلامی سرنگون باید گردد.

کارگران جهان متحد شوید.

ما از تشکل مستقل کارگران ایران حمایت می کنیم.

ما خواهان تنظیم قانون کار بدست کارگران و تشکل های

مستقل آنها هستیم.

\*\*\*\*\*

بر اساس اخبار رسیده از این زندان حال زندانیان اعتصابی از جمله بیبا داراب زند، ارژنگ داوودی و امیر ساران وخیم گزارش شده است، به طوری که توان حرکت از آنان سلب شده است .

همچنین امید عباسقلی نژاد که در زندان کجویی فردیس از تاریخ 11 خرداد ماه دست به اعتصاب غذا زده بود دیروز به دلیل وخامت حالش به بهداری زندان منتقل شد. وضعیت زندانیان اعتصاب کننده در زندان اوین نیز وخیم گزارش شده است. این در حالی است که سخنگوی قوه ی قضائیه چندی پیش گفته بود در حال حاضر فقط 2 تن از زندانیان در اعتصاب غذا هستند ( اکبر گنجی و ناصر زرافشان)!

همچنین کیانوش سنجرى و شهلا انتصارى دو تن از افرادی که در تحصن دیروز خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل زندان اوین بازداشت شده بودند پس از چند ساعت آزاد شدند؛ هم اکنون از وضعیت مریم آرابی دیگر باداشت شده ی این تحصن اطلاعی در دست نمیباشد.

اسامی زندانیان سیاسی اعتصاب کننده:

حشمت الله طبرزدی- امید عباسقلی نژاد - منوچهر محمدی- مصطفی جوکار- حجت بختیاری- مهرداد حیدرپور - کاوه مدنی ( فتاح)- اکبر گنجی - ناصر زرافشان- بیبا داراب زند - امیر ساران - ارژنگ داوودی - خالد حردانی - ولی الله فیض - مهدوی - جعفر اقدامی - حجت زماى - بهروز جاوید تهرانی .

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی  
komitedefa@yahoo.com

## گزارشی از تحصن در مقابل زندان اوین و ضرب و شتم متحصنین

### شیوا نظراهارى

از روزی که فراخوان کمیته را برای تحصن خانواده های زندانیان سیاسی در روز چهارشنبه منتشر کردیم، دلم مثل سیر و سرکه میجوشید، اگر مردم استقبال نمیکردند؟... اگر دوستان حضور پیدا نمیکردند؟... چقدر بی خوابی کشیدیم، زیر تابش مستقیم آفتاب تابستان که تا مغز استخوان را میسوزاند چقدر راه رفتم و حرص خوردم...

از تحصن سه شبیه که آمدم ، همه به منزل طبرزدی رفتیم، نشسته بودیم و صحبت میکردیم که از اطلاعات تماس گرفتند و تهدید کردند که اگر فردا تحصن را برگزار کنید با شما به شدت برخورد خواهد شد، لیخندی زدیم و مصمم گفتیم که میرویم هر چه بادا باد... فردا 2 تا امتحان داشتم .. یادم نمی آید که از صبح لای جزوتم را باز کرده باشم ؛ اینترنت؛ اطلاعیه ، تلفن، ... پلاکارد. احساس میکردم همین روزهاست که از خستگی جان بدهم، زمانی که آماده شدم برای خوابیدن ساعت 2 بعد از نیمه شب بود و من باید ساعت 6 از خانه میزدم بیرون تا به جلسه ی امتحان برسم ، از طرفی مضطرب بودم که امتحان را چه خواهم کرد و از سوپی دیگر نگران فردا بودم و مدام از خودم می پرسیدم چه خواهد شد؟

صبح در حالی از خانه خارج شدم که تمام وسایل لازم برای یک غیبت طولانی را با خود میبردم، و نگاههای مضطرب مادرم را که هر بار هنگام خروج از منزل به چشمانم دوخته میشد و نگاهم را از نگاهش میدزدیدم تا نبینم نگرانش را، که بارها تجربه کرده بود این رفتنهای بی بازگشت را و با نگاهش میبویدم، میبوسیدم و در دلش خدا خدا میکرد که شب دوباره ببینم و آنقدر نگاه میکرد که بتواند چهره ام را تا همیشه در ذهنش ثبت کند ، کسی چه میداند شاید دیگر هرگز بازنگشتم! و تنها یک جمله میگفت " مواظب خودت باش " و میدانستم که چقدر در دلش آرزو میکرد که دخترش مانند تمامی دختران دیگر تمام غایتش یک شوهر خوب و یک زندگی آرام باشد...

باز هم تماس گرفتند و اینبار تهدیدم کردند و خواستند که تحصن کنسل شود...هر چه به زمان مقرر نزدیک میشدیم دلشوره ام بیشتر میشد و بالا خره رسیدم، از دور اکرم را دیدم با همان اراده ی همیشگی اش و مریم را با مادر پیرش که تقریباً در همه جا همراهیمان میکرد و من از صورتش خجالت میکشیدم زمانی که عزمش را می دیدم، ماهرخ ، و .. انگار خستگی ام در رفته بود، از آنچه فکر میکردم بهتر بود ؛ علی افشاری؛ خانواده ی جباری؛ همسر گنجی و بیبا داراب زند، خانواده ی طبرزدی و زرافشان؛محمد شریف، آقای موحّد، و خیلی از چهره های شناخته شده ی دیگر..

در همان ابتدا نیروی انتظامی هشدار داد که اگر تا 3 دقیقه ی دیگر متفرق نشوید ، با شما برخورد خواهد شد، هیچ کس از جایش تکان نخورد، باز هم زنان سردمدار مقاومت بودند، برخورد شدیدتر شده بود فریاد میزدند که متفرق شوید، ابتدا مقاومت کردیم و از جایمان تکان نخوردیم ... نفهمیدم چه شد ، تا آمدم به خودم بیایم دیدم حمله کرده اند ، لگد میزنند و هلمان میدهند. کیانوش سنجرى را گرفتند؛ خواستیم کمکش کنیم .. اکرم به سرعت خود را رساند تا کیانوش را برهاند اما سرهنگ گرامی او را چنان به زمین کوبید که چشمانم را بستم و حس کردم که مخش ترکید، اما باز بلند شد تا به کمک کیانوش برود و باز به زمین کوبیدنش و دیگر توان برخاستن نداشت .. هر چه داد زدیم که او نمیتواند حرکت کند که سرش شکسته است، کسی گوشش به این حرفها بدهکار نبود، اکرم را گرفته بودیم و آنها با شدت هلمان میدانند و ما هم در حالی که مرتب به دیوارها میخوردیم به عقب رانده میشدیم.

اکرم بیهوش شد و در کنار دیوار روی زمین افتاد ، دیگر اشکهایم مجال نمیدادند هر چند خیلی سعی کردم جلوی خودم را بگیرم اما نتوانستم و زمانی که امروز مریم گفت که تا صبح با یاد چشمان تو که اشک در آن حلقه زده بود و صورت کیانوش زمانی که با زور می بردنش خوابم نبرد ؛ فهمیدم که دیروز بالاخره بی آنکه بخواهم عهدم را شکستم، چراکه عهد کرده بودم که هیچ گاه گریه نکنم...

تجمع کنندگان را به سمت پایین خیابان بردند و ما همچنان بالای سر مجروحان ایستاده بودیم و گاهی فریاد میکشیدیم و اعتراض میکردیم. نیم ساعت گذشته بود و در این مدت " فرزانه " را هم دیدم که از پایین خیابان دستگیر شد و به سمت مینی بوس برده شد، زمانی که فریاد زدم : آقا کجا میبرینش، حتی کسی برای پاسخ سرش را هم برنگرداند... نیم ساعت میگذشت ، سرهنگ نصیری نیا که به همه ناز شصتی نشان داده بود، دوباره به سمت ما بازگشت و با هل دادن و فریاد زدن سعی داشت که متفرقمان کند، هر چه کرد تکان نخوردیم و لحظه ای بعد اکرم را در ماشین قرار دادیم و به سمت بیمارستان رفتیم و او حتی توان باز کردن چشمانش را هم نداشت ، فقط اشکهایش را میدیدم که از گوشه ی چشمانش میلغزد و به زمین می افتاد..

شب در حالی که در اثر بی خوابیهای چند روزه رمقی برایم نمانده بود و درد مزمنی هم در دست چپم که حالا آثار کیودی روی آن به خوبی نمایان شده بود، احساس میکردم به خانه بازگشتم ؛ با دیدن اخباری که روی سایتها قرار گرفته بود، آنقدر دلم گرفت که دیگر انگیزه ای ندیدم برای ادامه این کار...

زمانی که دیدم عده ای همه چیز را به نام خود تمام کرده اند و تحصن ما را در حمایت از یک نفر عنوان کرده اند از تلاشهای چند روزه ام پشتیبان شدم. چرا که تنها مقصود ما از دادن این فراخوان این بود که از تمامی زندانیان سیاسی و اعتصاب کننده حمایت شود اما گویی بعضی از دوستان پادشان رفته بود که در پشت آن دیوارها 9 نفر دیگر نیز چندین روز است لب بر خوردنی ها بسته اند و مقداری دورتر در زندان رجایی شهر و فردیس ، تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی در حال مرگند...

و آنان چه میدانستند که این جوانها در این چند روز چقدر خون دل خوردند تا مرز بین زندانی خودی و غیر خودی را از بین ببرند و چه میدانستند که چقدر فریاد زدن تا همه بشنوند که 18 تن دیگر نیز در این زندانها در حال اعتصابند ، اما تنها به این دلیل که خواسته های آنان سیاسی است ، نامشان از تمامی خبرگزاریها و صفحات روزنامه ها محو شده است.

\*\*\*\*\*